روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شماره ۸/۲۲۹۴ صفحه/قیمت ۲۰,۰۰۰ تومان در مشهد / عوامل فروش و شهرستان‌ها ۱۵۰۰۰ تومان
خراسان رضوی
باسلام خدمت امام عصر(ع)
شنبه ۹ ۳ ۱۴۰۵

تیم فوتبال مهد مشهد در مقابل تیم فوتبال همدم تن به شکست داد!

۷

لبنان؛ خط قرمز تهران در توافق با واشنگتن

چرا ایران بر آتش بس منطقه‌ای اصرار دارد؟

۲

پساجنگ و ضرورت آموزش سواد حقوقی در ایران؛

شکاف میان قانون و مردم

اردوغان چگونه با سوءاستفاده از دستگاه قضایی مخالفان خود را مدیریت می‌کند؟

تیر خلاص اردوغان به پیکر دموکراسی

تازه‌ترین حکم دستگاه قضای ترکیه برای برکناری رهبر جدید بزرگ‌ترین حزب مخالف دولت و انتصاب رهبر قبلی به جای او، نگرانی‌ها را در مورد آینده دموکراسی در ترکیه افزایش داده‌است. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که اردوغان با این اقدام، که به منزله انتصاب رهبر برای حزب مخالف است، بعد از ۲۴ سال استمرار حکومت خود را بر ترکیه تضمین کرده‌است.

به گزارش خبرآنلاین، حکم دادگاهی در ترکیه برای حذف اوزگور اوزل از رهبری منتخب حزب سکولار جمهوری‌خواه خلق و جایگزینی او با رهبر سابق حزب، کمال قلیچداراوغلو، نمادی از همان روند سیستماتیک سرکوب اپوزیسیون است که رجب طیب اردوغان از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (AKP) در سال ۲۰۰۲ آن را دنبال کرده است.

پرونده‌سازی با هدف بازطراحی اپوزیسیون

سلیم چویک، تحلیل‌گر مسائل ترکیه در مقاله‌ای برای نشریه فارن پالیسی، معتقد است که هرچند ترکیه سابقه طولانی در مداخله قضایی در سیاست دارد، اما این حکم سطح تازه‌ای از مداخله دستگاه قضا در سیاست حزبی ترکیه دیگری دارد. چویک می‌نویسد: «آنچه در این حکم جدید اهمیت دارد، اهداف پنهان آن است. اقدامات قبلی قضایی صرفا به دنبال تضعیف، ارعاب یا حذف بازیگران اپوزیسیون بود، اما این حکم به دنبال بازطراحی و مهندسی خودِ اپوزیسیون است.»

به باور چویک، دولت اردوغان پیش از این نیز با بازداشت «اکرم امام‌اوغلو»، شهردار استانبول در مارس ۲۰۲۵، نشان داد که دیگر به دشوار کردن کار برای مخالفان راضی نیست، بلکه می‌خواهد امکان پیروزی هر رقیب معتبری را از بین ببرد. اما حکم اخیر یک گام فراتر رفته و به جای یک فرد، نهاد و ساختار حزب را هدف قرار داده است.

ادامه در صفحه ۳

گزارش

گزارش میدانی از تغییر سبک زندگی؛

تاثیر گرانی بر تغییر اجباری الگوی خرید ایرانیان

در حالی که روایت رسمی از ثبات اقتصادی و کنترل تورم حکایت دارد، واقعیت کف بازار از گسترش خرید قسطی و نسیه در میان اقشار مختلف جامعه خبر می‌دهد.این روند نشان می‌دهد فاصله درآمد و هزینه به حدی رسیده که زندگی روزمره بسیاری از مردم با بدهی‌های ماهانه اداره می‌شود. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، این روزها در خیابان‌های شهر، از فروشگاه‌های بزرگ لوازم خانگی تا مغازه‌های کوچک محلی، یک تصویر مشترک ...

۴

گزارش

بازگشت سالن‌های تاریک به دوران رونق؛

شوک ۲۰ میلیاردی به سینمای بحران‌زده و عبور از فرمول‌های تکراری کمدی

در حالی که سایه سنگین تورم فزاینده و تروماهای روانی ناشی از جنگ، گیشه بهار ۱۴۰۵ سینمای ایران را به سمت یک رکود عمیق سوق می‌داد، یک جنجال نظارتی غیرمنتظره و اجرای هوشمندانه طرح بلیت شناور، معمار شوک صعودی بازار شدند. بررسی آمارهای رسمی سمفا در هفته منتهی به ۶ خرداد نشان می‌دهد

۵

گزارش

ساخت ۲۷ مدرسه طی ۱۶ ماه در مشهد

فرماندار ویژه مشهد گفت: ۲۷ مدرسه با ۲۰۰ کلاس درس با کمک خیران از دی ماه ۱۴۰۳ در قالب فعالیت دولت چهاردهم تاکنون در این شهرستان ساخته شده است.

سید حسن حسینی روز گذشته در حاشیه آیین افتتاح دبستان ۳ کلاسه «قمر علیمردانی» در روستای «آل» در بخش مرکزی مشهد در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: همچنین با آغاز پویش «با-من» در تابستان پارسال ساخت ۱۸۶ مدرسه در مشهد به عنوان تعهد شهرستان تا مهرماه ۱۴۰۵ تعیین شده که تاکنون ۲۰ مدرسه در قالب این پویش با ۱۵۵ کلاس درس ساخته شده

۶

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

لبنان؛ خط قرمز تهران در توافق با واشنگتن

چرا ایران بر آتش‌بس منطقه‌ای اصرار دارد؟

تریتا پارسی، کارشناس ارشد مسائل ایران در موسسه کوئینسی

چرا ایران بر آتش‌بس منطقه‌ای اصرار دارد؟

گزارش می‌گوید آتش‌بس ایران و آمریکا همچنان شکننده است و خطر اصلی از احتمال پایبند نماندن اسرائیل به توقف حملات در لبنان می‌آید. تهران اصرار دارد آتش‌بس، غزه و لبنان را نیز در بر گیرد؛ زیرا اعتبار منطقه‌ای و بازدارندگی آن به این جبهه‌ها گره خورده است. اگر واشنگتن نتواند اسرائیل را مهار کند، ایران ممکن است میان ترک توافق یا فشار بر امارات، به‌عنوان شریک اسرائیل، یکی را انتخاب کند.

به گزارش فرارو به نقل از نشریه ریسپانسیبل استیت کرفت، با وجود برقراری آتش‌بس و پیشرفت‌های محتاطانه در مسیر دستیابی به یک تفاهم‌نامه میان واشنگتن و تهران، خلیج فارس همچنان یکی از بی‌ثبات‌ترین و خطرناک‌ترین نقاط بحران باقی مانده است. تنها در ۲۴ ساعت گذشته، چندین دور تبادل آتش میان نیروهای آمریکا و ایران در منطقه رخ داده است.

هرچند به نظر می‌رسد هر دو طرف این حوادث را پایین‌تر از آستانه‌ای ارزیابی می‌کنند که بتواند کل آتش‌بس را فروبپاشد، اما همین تبادل‌های محدود آتش، واقعیتی مهم را آشکار می‌کند: وضعیت کنونی به‌شدت شکننده است و هر حادثه می‌تواند مسیر بحران را دوباره تغییر دهد.

آتش‌بس منطقه‌ای زیر سایه حملات اسرائیل به لبنان

با این حال، در روزهای اخیر، این خلیج فارس نبود که به بزرگ‌ترین تهدید علیه توافق تبدیل شد؛ بلکه خطر اصلی از احتمال خودداری اسرائیل از پایبندی کامل به آتش‌بس منطقه‌ای و توقف حملاتش به لبنان برآمد؛ خطری که همچنان جدی، فوری و تعیین‌کننده باقی مانده است.

ایران سه دلیل اصلی برای اصرار بر منطقه‌ای بودن هرگونه آتش‌بس دارد؛ آتش‌بسی که نه فقط آمریکا و ایران، بلکه اسرائیل و لبنان را نیز در بر گیرد. نخستین دلیل، جایگاه غزه و لبنان در هویت منطقه‌ای جمهوری اسلامی است. برای تهران، همبستگی با مردم غزه و لبنان صرفاً یک نمایش تبلیغاتی یا شعاری سیاسی نیست، بلکه بخشی از هسته سخت روایت منطقه‌ای و موقعیت راهبردی آن به شمار می‌رود.

ایران پیش‌تر در سال ۲۰۲۴ از سوی برخی صداها در جهان عرب به رها کردن این جبهه‌ها متهم شده بود. از همین رو، تهران به‌سختی می‌تواند شکاف دیگری را بپذیرد که اعتبارش را در میان مجموعه نیروهایی که از آن‌ها با عنوان «محور مقاومت» یاد می‌شود، بیش از پیش تضعیف کند.

دوم، ادامه حملات اسرائیل خطر شعله‌ور شدن دوباره رویارویی مستقیم میان ایران و اسرائیل را افزایش می‌دهد؛ چرخه‌ای خطرناک که از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون دو بار تکرار شده و هر بار، منطقه را تا آستانه جنگی گسترده‌تر پیش برده است.

پیوند میان این جبهه‌ها نه خیالی است و نه تصادفی. حتی در گفتمان غربی نیز ایران به‌عنوان محور اصلی مقاومت در برابر سیاست‌های اسرائیل و آمریکا معرفی می‌شود؛ مقاومتی که از طریق گروه‌های همسو در لبنان، فلسطین، عراق و یمن عمل می‌کند. از نگاه تهران، توقف پایدار خصومت با اسرائیل را نمی‌توان از پایان دادن به جنگ‌های اسرائیل در غزه و لبنان جدا کرد. به همین دلیل، برای جمهوری اسلامی، گنجاندن غزه و لبنان در چارچوب آتش‌بس یک خواسته آرمانی یا حاشیه‌ای در دیپلماسی نیست؛ بلکه شرطی بنیادی برای هر توافقی است.

اما شاید مهم‌ترین مسئله، چیزی باشد که پرونده لبنان درباره خود واشنگتن آشکار می‌کند. از نگاه تهران، گنجاندن اسرائیل در چارچوب آتش‌بس، در نهایت آزمونی برای سنجش اراده و توانایی آمریکا در مهار نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای خود است.

اگر دونالد ترامپ نتواند یا نخواهد اسرائیل را به پایبندی به آتش‌بس وادار کند، ارزش هرگونه توافق با واشنگتن به‌طور جدی زیر سؤال می‌رود. در چنین سناریویی، مشکل فقط رفتار اسرائیل نیست؛ مسئله اصلی ناتوانی واشنگتن در کنترل پیامدهای توافقی است که خود مدعی مدیریت آن است.

اگر آمریکا نتواند مانع کشیده شدن دوباره خود به جنگ شود، آتش‌بس بیش از آنکه ابزار مهار بحران باشد، به وقفه‌ای موقت و شکننده در مسیر بازگشت به درگیری تبدیل خواهد شد. اگر واشنگتن نتواند اسرائیل را مهار کند، مطلوبیت و کارآمدی هرگونه توافق با آن به‌طرز چشمگیری کاهش خواهد یافت.

راهبرد «امارات در برابر لبنان» و آزمون تازه واشنگتن

دونالد ترامپ هنوز می‌تواند تصمیم بگیرد منافع آمریکا را در اولویت قرار دهد و اسرائیل را به پایبندی به آتش‌بس وادار کند؛ همان کاری که رونالد ریگان در سال ۱۹۸۲ انجام داد، زمانی که مناخم بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، را برای توقف حملات ویرانگر اسرائیل به لبنان تحت فشار گذاشت.

گفته می‌شود ریگان از بمباران بیروت به‌شدت خشمگین شده بود و به بگین هشدار داد که حمایت آمریکا امری تضمین‌شده و بی‌قیدوشرط نیست. تنها چند ساعت پس از آن هشدار، حملات متوقف شد. اما ترامپ تاکنون توان چندانی برای تضمین پایبندی پایدار اسرائیل به خواسته‌های خود نشان نداده است.

او بیش از آنکه اسرائیل را مهار کند، بارها اجازه داده محاسبات نتانیاهو مسیر سیاست آمریکا را پیچیده‌تر کند. با این حال، محتمل‌ترین سناریو شاید از همه مبهم‌تر و خطرناک‌تر باشد: واشنگتن و تهران به توافقی دست یابند، اسرائیل در آغاز به آن پایبند بماند، اما به‌مرور زمان خود را از چارچوب توافق بیرون بکشد و بار دیگر، زیر عنوان آشنای «دفاع از خود»، حملات به لبنان را از سر بگیرد. در آن مرحله، ایران با دوراهی سختی روبه‌رو خواهد شد. تهران تقریباً به‌طور قطع ترامپ را برای مداخله و مهار اسرائیل تحت فشار قرار خواهد داد و حتی ممکن است تهدید کند که کل توافق را کنار می‌گذارد. اما پرسش اصلی اینجاست: اگر واشنگتن اقدامی نکند، آیا ایران واقعاً حاضر خواهد شد رفع تحریم‌ها، احیای اقتصادی و پایان جنگ آشکار را قربانی کند؟علاوه بر این خروج ایران از توافق نیز لزوماً ترامپ را به مهار اسرائیل وادار نخواهد کرد.

در واقع، چنین نتیجه‌ای دقیقاً همان چیزی است که اسرائیل از آن استقبال خواهد کرد؛ فروپاشی توافق ایران و آمریکا، بدون الزام تل‌آویو به توقف حملاتش در لبنان. در این سناریو، تهران میان حفظ دستاوردهای توافق و دفاع از اعتبار منطقه‌ای خود گرفتار می‌شود؛ دوراهی‌ای که می‌تواند آینده آتش‌بس را از درون تهدید کند.

ابوظبی در تیررس رقابت ایران و اسرائیل

گزینه دیگری که به‌طور فزاینده در میان بخش‌هایی از نهاد امنیتی ایران مطرح می‌شود، تیره‌تر و هشداردهنده‌تر است: باقی ماندن در چارچوب توافق با واشنگتن، اما تحمیل هزینه در نقطه‌ای دیگر یعنی علیه امارات متحده عربی که یکی از نزدیک‌ترین شرکای منطقه‌ای اسرائیل است. این استدلال به‌صورت آرام، محدود و غیرعلنی در میان بخشی از ساختار ایران در گردش است؛ هرچند هنوز روشن نیست تا چه اندازه در سطوح تصمیم‌گیری از آن حمایت می‌شود. زمینه این بحث نیز مهم است.

در میان برخی، این احساس رو به تقویت است که تهران در جریان جنگ، در برابر امارات بیش از حد خویشتنداری نشان داده است. از همین رو، ایده راهبرد «امارات در برابر لبنان» دیگر چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

منطق این راهبرد به‌شدت ساده است: اگر چارچوب گسترده‌تر توافق آمریکا و ایران بتواند حمله اسرائیل به متحد تهران در لبنان را تحمل کند، ایران نیز ممکن است به این جمع‌بندی برسد که همان چارچوب می‌تواند هدف قرار دادن متحد اسرائیل در خلیج فارس را نیز تاب بیاورد. در چنین سناریویی، تهران می‌تواند در برابر هر حمله اسرائیل در لبنان، علیه خاک امارات یا عوامل اسرائیلی مستقر در آنجا دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند. هدف، فروپاشی کامل توافق با واشنگتن نخواهد بود؛ بلکه تحمیل بهایی حساب‌شده برای عدم پایبندی اسرائیل به آتش‌بس خواهد بود.

یک پرسش کلیدی همچنان بی‌پاسخ می‌ماند: آیا واشنگتن در صورت حمله به امارات، برای دفاع از آن شتاب خواهد کرد؟ پاسخ روشن نیست؛ به‌ویژه اگر چنین مداخله‌ای به معنای نابودی

همان توافقی باشد که آمریکا خود با تهران مذاکره و تنظیم کرده است.

از این منظر، راهبرد «امارات در برابر لبنان» بار مسئولیت را دوباره به دوش ایالات متحده می‌اندازد: یا اسرائیل را مهار کند و از فرسایش آتش‌بس جلوگیری کند یا شاهد سرایت درگیری از لبنان به سراسر خلیج فارس باشد.

پیامدهای چنین وضعیتی برای دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس عمیق و نگران‌کننده خواهد بود. شمار اندکی از کشورهای خلیج فارس به رویکرد منطقه‌ای روزبه‌روز تهاجمی‌تر امارات علاقه‌ای جدی دارند؛ اما شمار حتی کمتری از آنان خواهان جنگی تازه، بی‌ثبات‌کننده و منطقه‌ای‌اند. علاوه بر این، محکوم کردن شدید هرگونه اقدام تلافی‌جویانه ایران علیه امارات، ناخواسته سکوت گسترده‌تر جهان عرب در برابر پاکسازی قومی اسرائیل در جنوب لبنان را برجسته‌تر خواهد کرد.

امید آن است که هیچ‌یک از این سناریوهای خطرناک رخ ندهد. دستیابی به توافقی پایدار میان واشنگتن و تهران، با پشتیبانی اکثریت قاطع دولت‌های منطقه، همچنان ممکن است. ترامپ نیز هنوز می‌تواند به این جمع‌بندی برسد که حفظ ثبات منطقه‌ای، مستلزم وادار کردن اسرائیل به احترام گذاشتن به شروط یک آتش‌بس گسترده‌تر است. با این حال، همین واقعیت که تهران در صورت تشدید حملات اسرائیل در لبنان، گزینه تشدید علیه امارات را بررسی می‌کند، نشان می‌دهد ابوظبی با امضای توافق‌نامه‌های ابراهیم تا چه اندازه خود را بی‌دلیل به هدفی در رقابت بزرگ‌تر ایران و اسرائیل تبدیل کرده است.

گزارش پرونده آقای رییس جمهور

چرا ادعاهای ترور شهید ابراهیم رئیسی تکرار می‌شود؟

دو سال پس از سانحه بالگرد حامل ابراهیم رئیسی، روایت رسمی ستاد کل نیروهای مسلح بر «شرایط پیچیده اقلیمی و جوی» تأکید دارد، اما برخی شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌های نزدیک به جریان سیاسی دولت سیزدهم مکررا ادعای ترور رئیس‌جمهور شهید توسط اسرائیل را مطرح می‌کنند.

علیرضا نجمی: دوسال از سانحه بالگرد حامل حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی گذشت اما روایت های مختلفی از سوی افراد متفاوتی و عموما نزدیک به این جریان مشاهده بود.

از یک سو، گزارش رسمی ستاد کل نیروهای مسلح بر «شرایط پیچیده اقلیمی و جوی» تاکید داشت،و از سوی دیگر برخی شخصیت ها سخنانی را بدون سند و مدرک مبنی بر ترور رئیس جمهور مطرح می‌کردند.

این حادثه در مسیر بازگشت رئیس‌جمهور از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه‌سی» در آذربایجان شرقی رخ داد. در این بالگرد، سید محمدعلی آل‌هاشم (امام‌جمعه تبریز)، حسین امیرعبداللهیان (وزیر امور خارجه)، مالک رحمتی (استاندار آذربایجان شرقی) و چند تن دیگر حضور داشتند. پس از ساعت ها جستجو در آخر بامداد ۳۱ اردیبهشت بالگرد پیدا و خبر شهادت رئیس‌جمهور و همراهانش اعلام شد.

روزها و هفته ها گذشت،ابهامات مردم بیشتر شد؛یکی از این ابهامات بحث درباره نحوه چینش سرنشینان در سه بالگرد کاروان ریاست‌جمهوری و تغییرات لحظه آخری در تقسیم‌بندی وزرا پیش از پرواز، بود.

سه روز پس از مراسم تشییع پیکر شهدا، مستندی با عنوان «روایت سانحه» از شبکه خبر پخش شد که حاوی تصاویری تازه از روز حادثه و عملیات جستجو بود.

چند روز گذشته محمد مخبر معاون اول دولت رئیسی با اشاره به اینکه با مسئولین امنیتی و نظامی درباره سقوط هلی کوپتر رئیسی جلسه داشته، درباره ابهاماتش در این زمینه و مکالمه‌اش با رهبر شهید انقلاب را درباره احتمال ترور شهید ابراهیم رئیسی فاش کرد.

مخبر در این باره گفت: از شهادت به بعد، دوره سرپرستی ریاست جمهوری بنده بود. من نشست‌های مختلفی هم با متخصصان بالگرد و ... گذاشتم، هم با دستگاه‌های نظامی و اطلاعاتی. گزارش‌های فراوانی هم دادند. روزی محضر حضرت آقا بودم، همین سوال شما را آقا فرمودند. بالاخره نظر شما چیست آقای مخبر، این مسئله‌ای که پیش آمده؟ به حضرت آقا عرض کردم، آقا اینکه ما الآن مستندی داشته باشیم که ترور انجام گرفته است، این مستند را الان نداریم، اما هر چی این‌ها آمدند و برای من توضیح دادند که قضیه عادی است، بر ابهام من اضافه شد. یعنی من هیچ وقت تا الان، اینکه این موضوعی عادی بوده، حادثه‌ای بوده، سقوطی بوده، هیچ وقت این را قبول نکردم.

وی افزود: همچنان هم باور ندارم. الان که احتمال یک کم بیشتر است. یادم است که یکی از سوالاتی که آقا فرمودند این بود که می‌گویند ارتباط این بالگردها مکانیکی است، نرم افزاری نیست. گفتم آقا بالاخره این‌ها با بی‌سیم، اول با دوم، دوم با سوم، سومی با اولی، امکان نرم افزاری و دخالت وجود داشته است.

ادعای ترور؛ از مشاور خاتمی تا کتاب نویسنده اسرائیلی

اینجا بود که اظهار شخصیت های سیاسی شروع شد؛روایت هایی که سند و مدرکی معتبر پشت آن نبود. محمد صدر، مشاور سابق سید محمد خاتمی و محمدجواد ظریف، مدعی شده که اسرائیل عامل ترور شهید رئیسی بوده است. او گفت: «لحظه‌ای که آقای رئیسی را زدند من گفتم کار اسرائیل است. دلیل ترور رئیسی این بود که حزب‌الله و اسرائیل با یکدیگر درگیر بودند.»

اما سالار ولایت‌مدار مستقیما اشاره نکرد که شهید رئیسی ترور شده است بلکه گفت: مردم دقت کنند؛ هر روز با فناوری و دستاوردهای سایبری جدیدی مواجه می‌شویم. وی در گفت‌وگو با خبرآنلاین تصریح کرده بود: «بحث شهادت آیت‌الله رئیسی برای همه مردم ایران مسلم است، اما این که آیا این اقدام توسط دشمن صورت گرفته، هیچ‌وقت نه رد شده و نه تأیید شده است.»

مرکز ارتباطات ستاد کل نیروهای مسلح در بیانیه‌ای، ادعاهای مطرح‌شده را «با فاصله از حقیقت» و «ناشی از ناآگاهی یا اغراض خاص» خواند. در این بیانیه تأکید شد: «به استناد ۳ گزارش رسمی، علت بروز سانحه صرفاً شرایط پیچیده جوی و جغرافیایی منطقه بوده و هیچ یک از گمانه‌زنی‌ها از جمله نقص فنی، خرابکاری، ترور، انفجار، جنگ الکترونیک و... به اثبات نرسید.»

با این حال، حتی این بیانیه نیز مانع از ادامه این فرضیه‌پردازی‌ها نشد.

از سوی دیگر، کتاب «رایحه مرگ» به قلم «اسحاق گلدشتاین»، نویسنده اسرائیلی، روایت رسمی ایران را زیر سؤال برده و مدعی شده که در راهروهای موساد در تل‌آویو، محاسبه‌ای متفاوت برای ترور رئیسی انجام شده است. نکته قابل توجه آنکه این کتاب را سید احمد علم‌الهدی، پدر همسر ابراهیم رئیسی، معرفی کرده است. او با استناد به این کتاب -که مدرک معتبری برای اثبات ادعاهایش ارائه نکرده- عملاً به سخنگوی این جریان بدل شده و ادعاهای تکراری درباره ترور دامادش را بازگو کرده است؛ ادعاهایی که تاکنون بارها از سوی ستاد کل نیروهای مسلح تکذیب شده است.

همچنین مدیرکل روابط عمومی ریاست‌جمهوری در دولت سیزدهم در توئیتی نوشت: «از نکات مهم کتاب «عطر مرگ»، ادعای ترور شهید رئیسی توسط موساد آن هم با ذکر جزئیات است.»

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

اردوغان چگونه با سوءاستفاده از دستگاه قضایی مخالفان خود را مدیریت می‌کند؟

تیر خلاص اردوغان به پیکر دموکراسی

تازه‌ترین حکم دستگاه قضای ترکیه برای برکناری رهبر جدید بزرگ‌ترین حزب مخالف دولت و انتصاب رهبر قبلی به جای او، نگرانی‌ها را در مورد آینده دموکراسی در ترکیه افزایش داده‌است. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که اردوغان با این اقدام، که به منزله انتصاب رهبر برای حزب مخالف است، بعد از ۲۴ سال استمرار حکومت خود را بر ترکیه تضمین کرده‌است.

به گزارش خبرآنلاین، حکم دادگاهی در ترکیه برای حذف اوزگور اوزل از رهبری منتخب حزب سکولار جمهوری‌خواه خلق و جایگزینی او با رهبر سابق حزب، کمال قلیچداراوغلو، نمادی از همان روند سیستماتیک سرکوب اپوزیسیون است که رجب طیب اردوغان از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (AKP) در سال ۲۰۰۲ آن را دنبال کرده است.

پرونده‌سازی با هدف بازطراحی اپوزیسیون

سلیم چویک، تحلیل‌گر مسائل ترکیه در مقاله‌ای برای نشریه فارن پالیسی، معتقد است که هرچند ترکیه سابقه طولانی در مداخله قضایی در سیاست دارد، اما این حکم سطح تازه‌ای از مداخله دستگاه قضا در سیاست حزبی ترکیه دیگری دارد. چویک می‌نویسد: «آنچه در این حکم جدید اهمیت دارد، اهداف پنهان آن است. اقدامات قبلی قضایی صرفا به دنبال تضعیف، ارعاب یا حذف بازیگران اپوزیسیون بود، اما این حکم به دنبال بازطراحی و مهندسی خودِ اپوزیسیون است.»

به باور چویک، دولت اردوغان پیش از این نیز با بازداشت «اکرم امام‌اوغلو»، شهردار استانبول در مارس ۲۰۲۵، نشان داد که دیگر به دشوار کردن کار برای مخالفان راضی نیست، بلکه می‌خواهد امکان پیروزی هر رقیب معتبری را از بین ببرد. اما حکم اخیر یک گام فراتر رفته و به جای یک فرد، نهاد و ساختار حزب را هدف قرار داده است.

در همین راستا، رابرت الیس، تحلیل‌گر مسائل ترکیه در مقاله‌ای برای نشریه نشنال اینترست، به ریشه‌های تاریخی این رفتار اشاره می‌کند.

الیس می‌نویسد اردوغان که شاگرد نجم‌الدین اربکان، پدر اسلام سیاسی در ترکیه، بود، که هیچ‌گاه پنهان نکرده‌است دموکراسی هدف نهایی او نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای پیشبرد جنبش اوست.

الیس اشاره می‌کند که تقابل با اپوزیسیون کمالیست همواره مانع اصلی اردوغان برای تحمیل حاکمیت فردی‌اش بوده است. حکومت برای فرسوده کردن این مانع، در گذشته سناریوهای ساختگی مانند «سازمان تروریستی ارگنکون» یا پرونده کودتای پتک (Balyoz Harekâtı) را علیه ارتش و سکولارها به راه انداخت.

به نوشته رابرت الیس در نشنال اینترست، جرم اصلی حزب جمهوری‌خواه خلق در مقطع کنونی، کسب اکثریت آرا در انتخابات محلی مارس ۲۰۲۴ بود که تهدیدی مستقیم برای قدرت اردوغان محسوب می‌شد. پس از این پیروزی، موج سنگینی از فشارها آغاز شد؛ از جمله عزل شهرداران و جایگزینی آن‌ها با سرپرستان انتصابی دولت.

اپوزیسیون محبوب اردوغان

سلیم چویک در فارن پالیسی به پیشینه کمال قلیچداراوغلو اشاره کرده و یادآوری می‌کند که اردوغان در سال ۲۰۱۲ در توییتی نوشته بود: «تا زمانی که این آقا رئیس حزب جمهوری‌خواه خلق است، کار ما آسان است.» پیش‌بینی اردوغان درست بود؛ قلیچداراوغلو در ۱۳ سال رهبری خود هرگز نتوانست اردوغان را شکست دهد. اما با آمدن اوزل در اواخر ۲۰۲۳، حزب احیا شد و در انتخابات ۲۰۲۴ رتبه اول را کسب کرد.

چویک می‌افزاید که سرکوب مستقیم به حد اشباع رسیده بود و منحل کردن کامل حزب نیز از آن یک «مظلوم و شهید سیاسی» می‌ساخت. بنابراین، یک «اپوزیسیون تسخیرشده و دست‌آموز» تحت رهبری قلیچداراوغلو، بهترین ویترین برای ادعای وجود کثرت‌گرایی بدون رقابت واقعی است. همان‌طور که اردوغان در آوریل وعده داده بود: «ترکیه به‌زودی به آن نوع اپوزیسیونی که شایسته آن است دست خواهد یافت.»

نحوه اجرای این حکم نیز دراماتیک بود. وکیل قلیچداراوغلو با کمک پلیس و استفاده از گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی، اوزل و معاونانش را از مقر حزب بیرون کرد. قلیچداراوغلو بلافاصله سیگنال تصفیه درون‌حزبی را صادر نمود.

اکثریت برای تغییر چندباره قانون اساسی؟

از نظر سیاسی، انگیزه اردوغان کاملاً عددی است. حزب حاکم و حزب متحدش ۳۲۲ کرسی از ۶۰۰ کرسی پارلمان را دارند. آن‌ها برای تغییر قانون اساسی یا اعلام انتخابات زودهنگام به ۳۶۰ تا ۴۰۰ کرسی نیاز دارند. بازگشت قلیچداراوغلو می‌تواند بخشی از نمایندگان وفادار به او را با اردوغان همراه کند تا مسیر تمدید ریاست‌جمهوری او هموار شود.

یاووز بایدار، روزنامه‌نگار برجسته ترک، در تحلیلی کوبنده که رابرت الیس آن را نقل کرده، می‌گوید: «این دیگر بحران دموکراسی نیست؛ این برچیدن و تخریب دموکراسی است.»

تیر خلاص به دموکراسی در بحبوحه بحران اقتصادی

این جراحی سیاسی در بدترین زمان ممکن برای اقتصاد ترکیه رخ می‌دهد. الیس اشاره می‌کند که پس از بازداشت امام‌اوغلو در مارس سال گذشته، بانک مرکزی ۵۰ میلیارد دلار برای حفظ ارزش لیر هزینه کرد و پس از حکم اخیر دادگاه نیز مجبور به تزریق ۶ میلیارد یورو شد. مضاف بر این، جنگ ایران نیز ۳۰ میلیارد دلار دیگر برای ثبات لیر هزینه روی دست دولت گذاشته و ترکیه را مجبور به سوزاندن ذخایر طلا و فروش اوراق قرضه خود در خزانه‌داری آمریکا کرده است.

با این حال، سلیم چویک معتقد است اردوغان روی بی‌تفاوتی غرب حساب باز کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا به رهبران اقتدارگرا تمایل دارد و اتحادیه اروپا نیز با ترکیه صرفاً به عنوان یک شریک بیرونی در حوزه امنیت و مهاجرت برخورد می‌کند. ارزش‌های مشترک دموکراتیک دیگر وزنی در روابط بین‌الملل ندارند.

در نهایت، رابرت الیس این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که مردم گرفتار در تورم و افسردگی اقتصادی، تا چه زمان دیگری حاضرند این عقب‌گرد اقتدارگرایانه را که مستقیماً بر استاندارد زندگی‌شان تأثیر گذاشته، تحمل کنند؟ واقعیت تلخ این است که این حکم قضایی، تیر خلاصی به پیکر نیمه‌جان دموکراسی ترکیه بود.

۵۱۱/۱اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چناران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۹۰۰۴۳۱۲ مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۰۱ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک چناران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مرتضی نظامی فرزند علیرضا به شماره شناسنامه ۵۲۲۰۱۲۵۵۴۰ صادره از چناران دریک باب ساختمان مسکونی-تجاری(برابر نامه ۱۲۷۰۳۵/ط/۳۳ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۰۶ دایر ساختمانی تعیین گردید) به مساحت ۱۵۱/۰۱ متر مربع پلاک ۳۸۸۹ فرعی از ۱۳۰- اصلی واقع در بخش۷ شهرستان چناران از محل مالکیت مجتمع اقتصادی کمیته امداد امام خمینی (ره) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۶۶۸

عبدالله گلشن ابادی به اباد- رئیس ثبت اسناد و املاک چناران

۵۱۱/۲اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رشتخوار

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۳۶۵۰۰۰۱۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رشتخوار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدمحمود حسنی پور رشتخوار فرزند سیدحسین به شماره شناسنامه ۶۵۰۰۰۵۷۳۸۴ صادره از رشتخوار در ششدانگ یک قطعه باغ مشجر از هشتاد اصلی واقع در حوزه ثبتی ثبت رشتخوار استان خراسان رضوی به مساحت (۲۶۶۳/۸۵) دو هزار و ششصد و شصت و سه متر و هشتاد و پنج دسیمتر مربع واقع در اراضی رشتخوار خریداری از مالک رسمی آقای سید حسن حسن پور محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۸۱۲

بشیر پاشائی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد

۵۱۱/۴اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۷۱۰۱۰۳۱۴- ۱۴۰۴/۱۲/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهدمنطقه پنج تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای حسینعلی مهدوی برکل فرزندعلی نسبت به ششدانگ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۸۹/۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۸-اصلی واقع در اراضی محمهن خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت مشاعی علی مهدوی (علی مهدوی فوت و حسینعلی مهدوی احدی از ورثه میباشد) محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس ازاخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضیی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهد شد.م الف:۸۵۲تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۲/۲۳تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۳/۹

جواد خزائی- رئیس ثبت اسناد و املاک رشتخوار

۵۱۱/۳اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۴۰۰۱۲۳۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر مبرا فرزند تقی به شماره شناسنامه ۱۳۱۰ صادره از مشهد در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۹۲/۵۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۲ فرعی از ۱۲۶ اصلی واقع در اراضی طوس خراسان رضوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی خانم ولی سره خشک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۸۱۲

بشیر پاشائی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد

۵۱۱/۵اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۳۸۳۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی رضا بیک داد فرزند میرزا بشماره شناسنامه ۲۱۱۶ صادره از مشهد دریک باب قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۳۱/۴۹ متر مربع پلاک فرعی از ۳۴۱ اصلی واقع در بخش ۵مشهد خریداری از مالک رسمی آقایان مهدی و هادی و علیرضا بیکداد محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۵۱

حسین مهرجو - رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

خبر

گرانی ۵۰ درصدی قیمت گوشی

در حالی که با گذشت دو ماه از سال جدید، ثبت‌سفارش برای واردات انواع تلفن همراه متوقف شده و قیمت‌ها جهش ۵۰ درصدی را تجربه کرده‌اند، کارشناسان پیشنهاد می‌دهند برای مدیریت عرضه و مهار رکود، از ابزار واردات بدون انتقال ارز استفاده شود.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، با گذشت بیش از دو ماه از سال ۱۴۰۵، ظاهرا هنوز وزارت صمت و کمیته ارزی ذیل این وزارتخانه نتوانسته‌اند به سازوکار مشخصی برای آغاز ثبت‌سفارش برخی کالاهای وارداتی که جنبه تولیدی مستقیم ندارند، اما تولید داخل در آنها یا وجود ندارد یا بسیار محدود است دست یابند؛ موضوعی که به نظر میرسد بیشترین اثر خود را در بازار تلفن همراه نشان داده است.

تسنیم نوشت: بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون ثبت‌سفارش جدیدی برای واردات تلفن همراه در سال ۱۴۰۵، اعم از گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار و زیر ۶۰۰ دلار، صادر نشده و همین موضوع موجب توقف نسبی در فرآیند تأمین رسمی این کالا در بازار شده است.

در چنین شرایطی، بازار با افزایش قابل توجه قیمت‌ها و تغییر در الگوی تقاضا مواجه شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که طی دو تا سه ماه اخیر، افزایش حدود ۴۰ تا ۵۰ درصدی قیمت‌ها از اسفند سال گذشته تاکنون، به کاهش طبیعی تقاضا در سمت مصرف‌کننده نهایی منجر شده و رکود نسبی در بازار را رقم زده است.

با توجه به اینکه بیش از ۹۵ درصد نیاز کشور به تلفن همراه از طریق واردات تأمین می‌شود، فعالان این صنعت تأکید دارند که تصمیم سازان باید سریع‌تر نسبت به تعیین تکلیف سازوکار تأمین و تنظیم بازار اقدام کند؛ چراکه ادامه ضعیت فعلی می‌تواند به تشدید نوسانات قیمتی و کاهش دسترسی مصرف‌کنندگان به این کالای پرمصرف منجر شود.

از سوی دیگر، عدم نهایی شدن سیاست‌های وارداتی سال ۱۴۰۵ تنها محدود به ثبت‌سفارش‌های جدید نیست، بلکه بخشی از سفارش‌های سال گذشته نیز به دلیل چالش‌های تأمین ارزی همچنان در مرحله کارسازی اولیه باقی مانده و وارد کشور نشده‌اند؛ موضوعی که فشار سمت عرضه را در بازار افزایش داده است. برآوردها نشان می‌دهد سال گذشته حدود ۱.۶۵ میلیارد دلار تلفن همراه از مسیر تجاری وارد و از گمرکات ترخیص شده است که نسبت به سال ۱۴۰۳ کاهش داشته است.

لازم به ذکر است، در سال گذشته نیز بخش قابل توجهی از واردات موبایل از محل «ارز حاصل از صادرات خود» تأمین شده بود؛ رویکردی که همچنان یکی از مسیرهای اصلی تأمین ارز به شمار می‌رود.

در این میان، به نظر می‌رسد توسعه و تسهیل رویکرد واردات از محل «بدون انتقال ارز» می‌تواند بخشی از گره‌های موجود را در کوتاه‌مدت باز کند؛ روشی که تاکنون برای حدود ۳۰۰۰ ردیف تعرفه عمدتاً مرتبط با کالاهای واسطه‌ای و تولیدی اجرایی شده است. همچنین اخیراً اتاق بازرگانی ایران در حال بررسی راهکارهایی برای رفع ابهامات مالیاتی و اجرایی این شیوه است تا نگرانی‌های بخش خصوصی در این زمینه کاهش یابد.

با توجه به محدودیت‌های ارزی ناشی از شرایط اقتصادی و تنش‌های خارجی (جنگ تحمیلی ۴۰ روزه) در ماه‌های اخیر، کارشناسان معتقدند استفاده هدفمند از این ابزار می‌تواند در قالب یک برنامه‌ریزی دقیق، بخشی از چالش سمت عرضه را مدیریت کند.

از سوی دیگر، بازار تلفن همراه به دلیل ویژگی‌های خاص عرضه و تقاضا، یکی از بازارهای اثرگذار در سیگنال‌دهی تورمی اقتصاد محسوب می‌شود و هرگونه چالش در تأمین آن می‌تواند به شکل مستقیم در شاخص‌های قیمتی سایر کالاهای مصرفی نیز اثرگذار باشد.

در کنار طراحی و به کارگیری ابزار وارداتی در کوتاه مدت، همچنین باید از ابزارهای تنظیم گری بازار مانند آنچه در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ صورت گرفت به صورت بهینه استفاده شود. امروز تلفن همراه به تنظیم بازار از محل کاهش سود واردکنندگان و فعالیت موثرتر بازیگران نیاز دارد تا تعادل عرضه و تقاضا در بازار مجددا ایجاد شود.

بر این اساس، تعیین تکلیف فوری سیاست‌های وارداتی و ارزی در حوزه تلفن همراه، نه‌تنها برای تنظیم بازار این کالا بلکه برای کنترل اثرات تورمی در سطح اقتصاد کلان نیز اهمیت قابل توجهی دارد.

گزارش میدانی از تغییر سبک زندگی؛

تاثیر گرانی بر تغییر اجباری الگوی خرید ایرانیان

در حالی که روایت رسمی از ثبات اقتصادی و کنترل تورم حکایت دارد، واقعیت کف بازار از گسترش خرید قسطی و نسیه در میان اقشار مختلف جامعه خبر می‌دهد.این روند نشان می‌دهد فاصله درآمد و هزینه به حدی رسیده که زندگی روزمره بسیاری از مردم با بدهی‌های ماهانه اداره می‌شود.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، این روزها در خیابان‌های شهر، از فروشگاه‌های بزرگ لوازم خانگی تا مغازه‌های کوچک محلی، یک تصویر مشترک بیش از هر چیز به چشم می‌خورد؛ برچسب‌هایی با عنوان «خرید قسطی بدون ضامن»، «الان بخر، بعداً پرداخت کن» یا «پرداخت چندمرحله‌ای». الگویی که دیگر صرفاً یک شیوه تبلیغاتی نیست و به بخشی از واقعیت روزمره بازار و زندگی مردم تبدیل شده است.

خرید قسطی حالا فقط به کالاهای گران‌قیمت یا لوکس محدود نمی‌شود. از خودرو، موبایل و لپ‌تاپ گرفته تا مواد غذایی، پوشاک، کیف و کفش و حتی برخی خدمات درمانی، همه به‌تدریج وارد چرخه پرداخت‌های اعتباری و اقساطی شده‌اند. این تغییر نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از خانوارها برای تأمین نیازهای معمول زندگی نیز ناچار به تقسیم هزینه‌ها در ماه‌های آینده هستند.

بر اساس تازه‌ترین آمارهای رسمی، روند افزایش قیمت‌ها در فروردین ۱۴۰۵ همچنان ادامه داشته و فشار هزینه‌های زندگی بیش از گذشته بر بودجه خانوارها سنگینی می‌کند. کاهش قدرت خرید باعث شده بسیاری از مردم دیگر توان تأمین نقدی هزینه‌های روزمره را نداشته باشند و خرید تدریجی به راهکاری برای مدیریت مخارج تبدیل شود. حتی در برخی موارد، هزینه تهیه مواد غذایی یا خودِ خرید غذا نیز به‌صورت اعتباری یا قسطی انجام می‌شود تا خانواده‌ها بتوانند از پس هزینه‌های ماهانه برآیند. در کنار اقلام اساسی مانند گوشت، لبنیات، برنج و سایر کالاهای ضروری که تهیه آن‌ها دشوارتر از گذشته شده، بسیاری از خریدهای روزمره نیز از حالت نقدی فاصله گرفته‌اند. نتیجه این روند، تغییر محسوس الگوی مصرف خانوارها و حرکت اقتصاد زندگی مردم به سمت پرداخت‌های ماهانه و بدهی‌محور است؛ شرایطی که نشان می‌دهد فشار تورم و گرانی، سبک خرید و حتی شیوه اداره زندگی را تحت تأثیر قرار داده است.

در چنین فضایی، خرید قسطی دیگر یک امکان انتخابی یا ابزار جذب مشتری نیست، بلکه برای بخشی از جامعه به ضرورتی اقتصادی تبدیل شده است. در حالی که در روایت‌های رسمی از کنترل تورم و بهبود وضعیت اقتصادی سخن گفته می‌شود، آنچه در کف بازار دیده می‌شود، تصویر متفاوتی را روایت می‌کند؛ تصویری از خانوارهایی که برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای خود، بیش از هر زمان دیگری به خرید نسیه و اقساطی وابسته شده‌اند.

در این فضا اپلیکیشن‌ها نیز برای رقابت نسبت به ارائه‌ی ابزارهای قسطی، پرداخت پایان ماه و ... حتی برای کالاهای غیر ضروری چون استفاده از تاکسی‌های اینترنتی و ... روی آورده‌اند. کالاهای فرهنگی چون کتاب نیز این امکان را دارند.در عین حال بسیاری از ادارات با عقد قراردادهایی با فروشگاه های اینترنتی و ... امکان خرید قسطی اقلام روزمره را فراهم می‌کنند.

نکته اینجاست که پیش‌تر، خرید قسطی به خرید اقلام بادوام اختصاص داشت نه اقلام مصرفی. در گفت‌وگو با یک کارمند اداری در مرکز شهر، تصویری روشن از این وضعیت شکل می‌گیرد. او به خبرآنلاین می‌گوید: «حقوق من اول ماه که واریز می‌شود، همان هفته اول بخش زیادی‌اش صرف اجاره خانه و هزینه‌های ثابت می‌شود. بعد از آن برای خریدهای روزمره چیزی نمی‌ماند. حتی وسایل خانه را هم قسطی گرفتیم. اگر قسطی نباشد، عملاً نمی‌توانیم زندگی را مدیریت کنیم.» این روایت، تنها تجربه یک فرد نیست، بلکه بازتاب وضعیت بخش بزرگی از حقوق‌بگیران است که فاصله میان درآمد و هزینه برایشان هر ماه بیشتر می‌شود.

در یک فروشگاه لوازم خانگی در یکی از خیابان‌های شلوغ، فروشنده با نگاهی کاملاً عملیاتی به شرایط بازار نگاه می‌کند. او می‌گوید: «الان اگر قسطی نفروشیم، فروش نداریم. مردم پول نقد ندارند. قبلاً شاید یکی دو نفر درخواست قسطی داشتند، الان برعکس شده؛ بیشتر مشتری‌ها دنبال خرید اقساطی هستند. ما هم مجبور شدیم با شرکت‌های لیزینگ کار کنیم یا خودمان شرایط اقساطی بگذاریم.» به گفته او، بازار خودش را با کاهش قدرت خرید مردم هماهنگ کرده، نه با رشد درآمدها یا بهبود وضعیت اقتصادی.

در همین حال، یک کارگر ساختمانی نیز از زاویه‌ای دیگر به موضوع نگاه می‌کند. او می‌گوید: «قبلاً اگر چیزی لازم داشتیم، صبر می‌کردیم پولش جمع شود. الان دیگر صبر کردن فایده ندارد. قیمت‌ها آن‌قدر بالا می‌رود که وقتی پول جمع می‌کنی، همان کالا دوباره گران شده. برای همین قسطی خریدن شده تنها راه.»

این جمله ساده، به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه تورم مزمن، مفهوم پس‌انداز و برنامه‌ریزی بلندمدت را از زندگی بسیاری از خانوارها حذف کرده است.

در سوپرمارکت‌های محلی نیز تغییر رفتار مصرف‌کنندگان کاملاً محسوس است. مغازه‌داری در یکی از محله‌های جنوبی شهر می‌گوید: «خیلی از مشتری‌ها دفترچه دارند. خرید می‌کنند، آخر ماه که حقوق می‌گیرند حساب می‌کنند. قبلاً این موضوع محدود بود، الان تبدیل به یک روند عادی شده. حتی خریدهای روزانه هم نسیه انجام می‌شود.» این تغییر نشان می‌دهد که اقتصاد قسطی فقط محدود به کالاهای بزرگ نیست، بلکه به سطح معیشت روزمره نیز نفوذ کرده است.

یک بازنشسته با حقوق ثابت نیز وضعیت خود را این‌طور توصیف می‌کند: «حقوق بازنشستگی اصلاً جواب زندگی را نمی‌دهد. هر ماه فقط می‌رسد به خرج‌های ضروری. حتی با صرفه‌جویی هم برای تعمیر خانه یا خرید وسیله مجبور شدم قسطی کار کنم. قبلاً این چیزها این‌قدر سخت نبود.» او اضافه می‌کند که در سال‌های اخیر، قدرت خرید به‌طور مداوم کاهش یافته و زندگی به سمت مدیریت بحران ماهانه حرکت کرده است.

در میان جوانان شاغل نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود. یک کارمند بخش خصوصی می‌گوید: «حس می‌کنی حقوق داری، ولی قبل از اینکه دستت برسد خرج شده. عملاً آزادی مالی نداری. همه چیز قسطی شده؛ از لوازم خانه گرفته تا حتی بعضی هزینه‌های شخصی.» این احساس، بیانگر شکل‌گیری نوعی وابستگی ساختاری به بدهی‌های ماهانه است؛ وابستگی‌ای که امکان تصمیم‌گیری مالی مستقل را کاهش می‌دهد.

در یک فروشگاه پوشاک نیز شرایط مشابهی جریان دارد. فروشنده می‌گوید: «قبلاً فقط کالاهای گران قسطی بود، الان کفش و لباس هم قسطی شده. اگر این کار را نکنیم مشتری نداریم. مردم توان خرید نقدی ندارند.» این جمله نشان می‌دهد که حتی کسب‌وکارهای کوچک نیز برای بقا، ناچار به پذیرش الگوی خرید اقساطی شده‌اند.

از نگاه یک کارشناس اقتصادی، گسترش خرید قسطی نشانه‌ای از تغییر عمیق در ساختار اقتصاد خرد است. او توضیح می‌دهد: «وقتی بخش زیادی از درآمد خانوار از قبل در قالب اقساط تعهد شده باشد، یعنی اقتصاد خانوار از حالت نقدی خارج شده و وارد وضعیت بدهی‌محور شده است. این موضوع در کوتاه‌مدت شاید مصرف را حفظ کند، اما در بلندمدت انعطاف مالی را کاهش می‌دهد.» به گفته او، چنین شرایطی باعث می‌شود کوچک‌ترین شوک اقتصادی مانند افزایش اجاره یا هزینه درمان، فشار سنگینی بر خانوارها وارد کند.

در سطح روانی نیز این تغییرات قابل توجه است. بسیاری از مردم احساس می‌کنند که خرید قسطی در لحظه فشار کمتری دارد، اما در ادامه ماه، بخش ثابتی از درآمدشان درگیر اقساط می‌شود.

یک جوان شاغل می‌گوید: «اولش فکر می‌کنی راحت خرید کردی، ولی بعد می‌بینی هر ماه حقوقت قبل از اینکه به دستت برسه خرج شده. انگار همیشه بدهکاری.» این وضعیت باعث کاهش احساس امنیت مالی در زندگی روزمره شده است.

در بازار امروز حتی کالاهای کوچک‌تر نیز وارد چرخه اقساط شده‌اند. فروشنده‌ای می‌گوید: «الان فقط لوازم بزرگ قسطی نیست. حتی موبایل، کفش، بعضی وقت‌ها لباس هم قسطی می‌فروشیم. چون اگر این کار را نکنیم، مشتری نداریم.» این موضوع نشان می‌دهد که اقتصاد قسطی به عمق جامعه نفوذ کرده و به یک سازوکار عمومی برای ادامه گردش بازار تبدیل شده است.

در کنار این وضعیت، مسئله تورم همچنان نقش اصلی را در شکل‌گیری این شرایط دارد. وقتی قیمت‌ها با سرعت بیشتری نسبت به درآمدها افزایش پیدا می‌کنند، خانوارها به‌تدریج از خرید نقدی فاصله می‌گیرند. در نتیجه، خرید قسطی به تنها راه باقی‌مانده برای حفظ سطح حداقلی مصرف تبدیل می‌شود. این روند به‌طور مستقیم نشان‌دهنده کاهش قدرت خرید واقعی مردم است، حتی اگر در آمارهای رسمی تصویر متفاوتی ارائه شود.

در گفت‌وگو با یک مغازه‌دار دیگر، او به نکته مهمی اشاره می‌کند: «مشتری‌ها دیگه مثل قبل فکر نمی‌کنن. قبلاً می‌گفتن صبر کنیم پول جمع بشه، الان می‌گن اگر الان نخریم، ماه بعد گرون‌تره. همین باعث شده همه برن سمت قسطی.» این تغییر ذهنیت، نتیجه مستقیم تورم و بی‌ثباتی قیمت‌هاست.

در مجموع، آنچه از دل بازار و گفت‌وگو با مردم به دست می‌آید، تصویری روشن از اقتصادی است که در آن خرید نقدی جای خود را به خرید اقساطی داده است. کارمندان، کارگران، بازنشستگان، فروشندگان و حتی کسب‌وکارهای کوچک، همگی درگیر این چرخه شده‌اند. حقوق‌ها دیگر پاسخگوی هزینه‌ها نیستند و زندگی روزمره به پرداخت‌های ماهانه گره خورده است.

در حالی که در سطح رسمی از ثبات و کنترل شرایط اقتصادی صحبت می‌شود، واقعیت زندگی مردم نشان می‌دهد که فشار تورم همچنان ادامه دارد. گسترش خرید قسطی، افزایش نسیه‌فروشی و کاهش توان خرید نقدی، نشانه‌هایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به تغییر الگوی مصرف نسبت داد؛ بلکه این‌ها بازتاب مستقیم فشار معیشتی بر جامعه هستند.

در نهایت، اقتصاد امروز بیش از آنکه نقدی باشد، به سمت اقتصاد تعهدی حرکت کرده است؛ اقتصادی که در آن مردم با درآمد آینده خود زندگی امروز را مدیریت می‌کنند. این وضعیت شاید در ظاهر چرخ بازار را حفظ کند، اما در عمق خود حکایت از فاصله‌ای دارد که میان واقعیت زندگی مردم و روایت‌های رسمی شکل گرفته است؛ فاصله‌ای که هر روز با هر خرید قسطی، بیشتر و ملموس‌تر می‌شود.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

بازگشت سالن‌های تاریک به دوران رونق؛

شوک ۲۰ میلیاردی به سینمای بحران‌زده و عبور از فرمول‌های تکراری کمدی

در حالی که سایه سنگین تورم فزاینده و تروماهای روانی ناشی از جنگ، گیشه بهار ۱۴۰۵ سینمای ایران را به سمت یک رکود عمیق سوق می‌داد، یک جنجال نظارتی غیرمنتظره و اجرای هوشمندانه طرح بلیت شناور، معمار شوک صعودی بازار شدند. بررسی آمارهای رسمی سمفا در هفته منتهی به ۶ خرداد نشان می‌دهد که سینمای ملی با ثبت فروش بالغ بر ۲۰ میلیارد تومان، نه تنها از بحران پساجنگ عبور کرده، بلکه با چرخش ناگهانی ذائقه مخاطبان پایتخت از کمدی‌های بدنه به سمت درام‌های توقیفی، موازنه قدرت جدیدی را میان سینمای تجاری و آثار دغدغه‌مند شهری رقم زده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرانلاین بررسی تحولات گیشه سینمای ایران در هفته منتهی به ۶ خرداد ۱۴۰۵، یکی از پویاترین و در عین حال پیچیده‌ترین دوره‌های اقتصادی و فرهنگی سینما را در سال‌های اخیر آشکار می‌سازد.

سینمای ایران که در ماه‌های نخست سال تحت تأثیر مستقیم التهابات ناشی از جنگ رمضان، ریزش مخاطبان و بحران‌های اقتصادی قرار گرفته بود، در هفته گذشته به واسطه مداخله سیاست‌گذاری‌های نوین حمایتی، با شوک صعودی قابل‌توجهی مواجه شد. گیشه سینماهای کشور با ثبت فروشی بالغ بر ۲۰ میلیارد و ۲۱۰ میلیون تومان در بازه زمانی چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت تا چهارشنبه ۶ خرداد ۱۴۰۵، افزایش چشمگیری را نسبت به بازه‌های پیشین تجربه کرد که این امر نشان‌دهنده احیای تدریجی انگیزه مصرف فرهنگی در میان شهروندان است.

این گزارش با اتکا به آخرین داده‌های آماری استخراج‌شده از سامانه مدیریت فروش و اکران سینمای ایران (سمفا)، به واکاوی متغیرهای کلان حاکم بر بازار اکران، تحلیل وضعیت آثار روی پرده، تأثیرات ساختاری طرح بلیت شناور و مقایسه تطبیقی رفتار مخاطبان می‌پردازد.

مابعد بحران: اتمسفر کلان اقتصادی و روانی حاکم بر سالن‌های سینما

برای درک رفتار مخاطبان سینما در هفته نخست خرداد ۱۴۰۵، ابتدا باید متغیرهای کلان بیرونی که به عنوان محرک‌های روان‌شناختی و اقتصادی عمل می‌کنند، بازخوانی کرد. در این بازه زمانی، بازارهای مالی کشور نوسانات کم‌سابقه‌ای را پشت سر گذاشتند؛ به طوری که قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در مرز کانال ۱۹ میلیون تومانی نوسان می‌کرد و نرخ دلار در بازار آزاد در کانال ۱۷۸ هزار تومانی تثبیت شده بود. این تورم فزاینده، به طور طبیعی سبد هزینه‌های غیرضروری خانوار را تحت فشار شدید قرار داد و سینما به عنوان یکی از نخستین اقلام قابل حذف از سبد فرهنگی خانواده‌های طبقه متوسط مطرح شد.

علاوه بر فشارهای معیشتی، اتمسفر روانی جامعه همچنان متأثر از پیامدهای جنگ رمضان و تهدیدات امنیتی متعاقب آن بود. شرایط بحرانی اینترنت بین‌الملل، قطعی‌های مکرر و چالش‌های قانونی پیرامون بازگشایی پورت‌های جهانی، فرآیند بازاریابی و بلیت‌فروشی آنلاین سینماها را با اختلالات فنی مواجه ساخت. با این حال، همان‌گونه که شواهد تاریخی نشان می‌دهند، سینما در دوران پسابحران اغلب به عنوان یک سازوکار دفاعی و پناهگاهی روانی برای فرار موقت از فشارهای روزمره عمل می‌کند.

مخاطب خسته از اخبار جنگ و تورم، در هفته منتهی به ۶ خرداد تمایلی جدی برای بازگشت به سالن‌های تاریک نمایش نشان داد. این بازگشت تماشاگران با اجرای سیاست‌های تشویقی شورای صنفی نمایش از جمله طرح دو روزه شدن بلیت‌های نیم‌بها همزمان شد که توانست ریزش شدید مخاطبان در فروردین و اوایل اردیبهشت را مهار کند و شیب منحنی استقبال را صعودی سازد.

کالبدشکافی هشت اثر در حال اکران

سهم بازار در هفته گذشته به شدت نامتوازن توزیع شد؛ به طوری که دو اثر صدرنشین گیشه یعنی «تهران کنارت» و «آنتیک» بیش از ۷۵ درصد از کل درآمدهای سینمای ایران را به خود اختصاص دادند و شش فیلم دیگر در رقابتی حاشیه‌ای برای بقا دست‌وپا زدند. در ادامه، عملکرد و ساختار محتوایی هر یک از این هشت اثر بررسی می‌شود.

تهران کنارت: تبلور سرمایه اجتماعی در بستر التهاب‌های رسانه‌ای

فیلم سینمایی «تهران کنارت» به کارگردانی علی بهراد و تهیه‌کنندگی مجید کریمی، با فروش ۶۰ هزار و ۴۴۴ بلیت در هفته گذشته و درآمد هفتگی ۸ میلیارد و ۸۹۱ میلیون تومانی، صدر جدول فروش هفتگی را فتح کرد و مجموع فروش خود را به ۱۲ میلیارد و ۴۴۱ میلیون تومان رساند.

علی بهراد که پیش از این با فیلم سینمایی «تصور» در هفته منتقدان جشنواره بین‌المللی کن حضور یافته بود، در دومین ساخته خود مسیری پرفرازونشیب را تجربه کرد. مراحل فنی فیلم سه سال پیش به پایان رسیده بود، اما ممیزی‌های سازمان سینمایی مانع از اکران داخلی آن شده بود؛ تا جایی که فیلم شانس حضور در رویدادهای بین‌المللی همچون جشنواره توکیو را از دست داد و در نهایت پس از اخذ مجوزهای مشروط، به پرده سینماهای کشور رسید.

داستان فیلم با بازگشت کاراکتری به نام «لی‌لی» (با بازی آناهیتا افشار) به ایران برای شرکت در عروسی دوستش آغاز می‌شود. رویارویی مجدد او با «پاشا» (با بازی علی شادمان) خاطرات گذشته و زخم‌های عاطفی التیام‌نیافته آن‌ها را زنده می‌کند. ساختار بصری فیلم با تکیه بر نماهای بیرونی در نیمه‌شب‌های تهران، تنهایی مفرط، دلتنگی و فواصل نامرئی میان آدم‌ها را در بستر شلوغ کلان‌شهر پایتخت تصویر می‌کند.

با این حال، پیروزی تجاری فیلم در هفته گذشته بیش از آنکه حاصل فرمول‌های دراماتیک باشد، واکنشی مستقیم به حواشی نظارتی پیرامون آن بود. انتقادات شدید برخی محافل رسانه‌ای به وجود صحنه‌هایی از آوازخوانی زن در فیلم، منجر به توقف موقت بلیت‌فروشی آن در روزهای آغازین خردادماه به منظور اصلاح و ممیزی مجدد شد. این شبهه که فیلم ممکن است به سرعت از پرده پایین کشیده شود، تقاضای انباشته مخاطبان را تحریک کرد و هجوم گسترده تماشاگران برای دیدن نسخه اصلاح‌شده، جهشی استثنایی در فروش فیلم ایجاد کرد.

آنتیک: فرمول‌های کمدی تجاری در مواجهه با اشباع مخاطب

فیلم سینمایی «آنتیک» به کارگردانی هادی نائیجی و تهیه‌کنندگی محمود بابایی، با فروش ۴۹ هزار و ۳۱۹ بلیت و درآمد هفتگی ۶ میلیارد و ۴۰۶ میلیون تومانی در رتبه دوم ایستاد. اگرچه «آنتیک» با مجموع فروش خیره‌کننده ۳۷ میلیارد و ۳۵۵ میلیون تومانی، همچنان پرفروش‌ترین اثر کل اکران بهار ۱۴۰۵ به شمار می‌رود، اما از دست دادن جایگاه نخست گیشه هفتگی نشان می‌دهد که تکیه انحصاری بر فرمول‌های کمدی تجاری در درازمدت با چالش روبه‌رو خواهد شد.

نائیجی که پیش از این با ساخت آثار جدی و مذهبی همچون «حق سکوت» شناخته می‌شد، در «آنتیک» چرخشی کامل به سمت سینمای بدنه داشته است. داستان فیلم در روزهای پس از انقلاب ۵۷ می‌گذرد؛ جایی که کاسبی دو عتیقه‌فروش سنتی به نام‌های «ابی» (پژمان جمشیدی) و «ولی» (بیژن بنفشه‌خواه) به بن‌بست خورده است، اما افتادن گذر آن‌ها به یک امامزاده پر از پول، ایده تأسیس یک امامزاده قلابی را در ذهنشان بارور می‌سازد که موقعیت‌های طنزآمیز متعددی را در تقابل با باورهای عامیانه خلق می‌کند.

بازی زوج جمشیدی-بنفشه‌خواه و حضور بازیگران مکملی چون ستاره پسیانی و غلامرضا نیکخواه، ساختار تجاری فیلم را تضمین کرده است. تحلیل گیشه نشان می‌دهد «آنتیک» در غیاب کمدی‌های رقیب، نقش سوپاپ اطمینان مالی سینماها را در دوران رکود پساجنگ بازی کرده است.

تاکسیدرمی: فانتزی هجوآمیز تاریخ در کشاکش لحن‌های ناهمگن

فیلم سینمایی «تاکسیدرمی» به کارگردانی محمد پایدار و تهیه‌کنندگی محمدجواد موحد (محصول مشترک باشگاه فیلم سوره)، با فروش ۱۶ هزار و ۶۰۶ بلیت، به فروش هفتگی ۱ میلیارد و ۹۷۱ هزار تومانی دست یافت و جایگاه سوم خود را تثبیت کرد. این فیلم در مجموع اکران خود توانسته است ۹ میلیارد و ۳۰ میلیون تومان فروش را به ثبت برساند.

فیلمنامه «تاکسیدرمی» سوژه‌ای تاریخی و نامتعارف را دستمایه کار خود قرار داده است: داستان سفر عبدالرضا پهلوی، برادر ناتنی محمدرضا شاه در سال ۱۳۵۷ به جنگل‌های شمال برای شکار گوزن زرد ایرانی، که با حضور دو مأمور امنیتی موساد برای انتقال پنهانی این حیوان به اسرائیل پیوند می‌خورد. مجید صالحی و علیرضا مسعودی بازیگران اصلی این اثر کمدی-سیاسی هستند.

منتقدان بر این باورند که فیلم با وجود جسارت در انتخاب لحن هجوآمیز و دوری از شوخی‌های سطحی، از ناپایداری لحن رنج می‌برد؛ تغییر مکرر فضا میان فانتزی مطلق و واقع‌گرایی تاریخی، انسجام دراماتیک اثر را مخدوش کرده و مانع از همراهی همه‌جانبه تماشاگران عام با پیشرفت داستان شده است.

سفر به لیمونیا: پاسخ فانتزی به عطش خانواده‌ها در فصل پایان امتحانات

رتبه چهارم گیشه هفتگی به فیلم فانتزی «سفر به لیمونیا» به کارگردانی کمال مقدم اختصاص دارد که با جذب ۱۷ هزار و ۶۶ مخاطب، توانست ۱ میلیارد و ۹۴۴ میلیون تومان فروش هفتگی داشته باشد و مجموع گیشه خود را به ۲ میلیارد و ۸۶۹ میلیون تومان برساند.

این فیلم فانتزی کودک و نوجوان، با حضور بهاره رهنما، ابراهیم شفیعی و محمدرضا شیرخانلو، روایتی پر رمز و راز از دنیای غول‌های شیطون و لیمویی را به تصویر می‌کشد که با باز شدن یک چمدان جادویی، زندگی کودکان را دگرگون می‌کنند.

موفقیت نسبی این اثر در جابه‌جایی جایگاه خود با فیلم‌های بزرگسال، نشان‌دهنده نیاز جدی سینمای ایران به تنوع ژانر است. با پایان یافتن تدریجی فصل امتحانات مدارس و دانشگاه‌ها، سبد مصرف خانواده‌ها به سمت آثار شاد و فانتزی گرایش پیدا کرده است و «سفر به لیمونیا» توانسته از این خلأ اکران نهایت استفاده را ببرد.

نیم‌شب: سینمای ژئوپلیتیک و مواجهه مخاطبان پس از ترومـا

فیلم سینمایی «نیم‌شب» ساخته محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد، در هفته گذشته ۷ هزار و ۹۴۱ بلیت فروخت و با کسب ۸۳۳ میلیون و ۷۰۶ هزار تومان فروش، مجموع درآمد خود را به ۸ میلیارد و ۳۵۱ میلیون تومان رساند.

والی‌نژاد و مهدویان در این اثر استراتژیک، دوربین خود را به سمت وقایع ملتهب تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران در تابستان سال گذشته برده‌اند. افول فروش هفتگی «نیم‌شب» و سقوط آن به رتبه‌های پایین‌تر نشان‌دهنده پدیده جامعه‌شناختی «اشباع روانی» است. تماشاگران که خود دوران دلهره‌آور جنگ ۱۲ روزه را زیسته‌اند، در شرایط فعلی ترجیح می‌دهند منابع مالی خود را صرف تماشای درام‌های شهری یا آثار فرار از واقعیت (کمدی) کنند تا بازخوانی مستقیم تروماهای جمعی بر روی پرده سینما.

بهشت تبهکاران: ناکامی درام‌های تاریخی گران‌قیمت در جذب نسل نوین

اثر مسعود جعفری‌جوزانی با عنوان «بهشت تبهکاران»، با وجود بهره‌گیری از تکنیک‌های پیشرفته تولید و تیم بازیگران سرشناس از جمله امیرحسین آرمان، لادن مستوفی و رضا یزدانی، در هفته گذشته عملا با شکست تجاری کامل روبه‌رو شد. این فیلم تنها ۵۲۴ بلیت فروخت و درآمد ناچیز ۶۶ میلیون تومانی را ثبت کرد تا مجموع فروش آن در مرز ۱ میلیارد و ۱۱۶ میلیون تومان متوقف شود.

فیلم که داستان واقعی حسن جعفری، کارمند شرکت نفت ایران و انگلیس را در بستر حوادث ملی شدن صنعت نفت روایت می‌کند، به دلیل لحن روایی کلاسیک و ریتم کند، نتوانسته است با ذائقه پویای تماشاگران جوان امروزی ارتباط برقرار کند و نمونه‌ای از عدم انطباق سرمایه‌گذاری‌های سنگین تاریخی با نیازهای واقعی بازار سینماست.

خط نجات و قمارباز: انزوای ساختاری در قعر گیشه بهاری

در قعر جدول اکران هفتگی، دو فیلم «خط نجات» ساخته وحید موسائیان با فروش ۵۰ میلیون تومانی (۳۶۲ بلیت) و «قمارباز» ساخته محسن بهاری با فروش ۴۶ میلیون تومانی (۳۸۸ بلیت) قرار دارند که عملا از چرخه اقتصادی سینماها خارج شده‌اند.

«خط نجات» یک درام سیاسی در بستر حوادث دهه ۵۰ است که با وجود بازی امیر آقایی و مصطفی زمانی، به دلیل عدم برخورداری از اکران مناسب و تبلیغات موثر، در انزوا به سر می‌برد. در مقابل، «قمارباز» به عنوان یک اثر جاسوسی-معمایی سایبری که داستان حمله به سیستم بانکی کشور در بستر جنگ ۱۲ روزه را روایت می‌کند.

مهندسی نوین بازار اکران: بلیت شناور و موازنه قیمت در سبد فرهنگی

یکی از فاکتورهای ساختاری که بقای اقتصادی سینمای ایران را در بهار ۱۴۰۵ تضمین کرد، تصمیم شجاعانه شورای صنفی نمایش در خصوص «شناورسازی قیمت بلیت» و «افزایش روزهای نیم‌بها به دو روز در هفته» بود. این مصوبه که با مشارکت خانه سینما و نظارت سازمان سینمایی از ۱۶ اردیبهشت‌ماه به طور سراسری اجرایی شد، به منظور بهینه‌سازی توزیع تماشاگران طراحی شده است.

جزئیات سیستم بلیت شناور به شرح زیر است:

سانس‌های نیم‌بها (یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها): قیمت بلیت در سینماهای مدرن ۹۰ هزار تومان، سینماهای ممتاز ۶۰ هزار تومان و سینماهای درجه‌یک ۵۰ هزار تومان تعیین شده است.

روزهای پیک (پنجشنبه، جمعه و اعیاد رسمی): قیمت‌ها افزایش یافته و بلیت سینماهای مدرن به ۱۸۰ هزار تومان، ممتاز ۱۲۰ هزار تومان و درجه‌یک ۹۰ هزار تومان می‌رسد.

روزهای عادی (شنبه، دوشنبه و چهارشنبه): بلیت‌ها قبل از ساعت ۱۷ نیم‌بها بوده و پس از آن با قیمت شناور معمولی (مدرن ۱۵۰ هزار، ممتاز ۹۰ هزار و درجه‌یک ۷۰ هزار تومان) عرضه می‌شوند.

نحلیل رفتار تماشاگران پس از اجرای این طرح ثابت می‌کند که این مداخله ساختاری موفقیت‌آمیز بوده است. تا پیش از این، ترافیک تماشاگران به طور انحصاری بر روی روزهای سه‌شنبه متمرکز بود که منجر به ازدحام سالن‌ها در یک روز و خالی ماندن آن‌ها در سایر ایام هفته می‌شد. با تعریف روز یکشنبه به عنوان دومین روز نیم‌بها، جمعیت ۹۰ هزار نفری خریداران بلیت نیم‌بها میان این دو روز توزیع شده است؛ امری که به توزیع یکنواخت درآمد سینماداران و کاهش استهلاک سالن‌ها کمک شایانی کرده است.

از سوی دیگر، این فرمول هوشمندانه به قشر کم‌درآمد و دانشجویان اجازه می‌دهد تا همچنان با هزینه‌ای معقول در طول هفته به تماشای فیلم‌ها بنشینند و در عین حال، سینماداران با بلیت ۱۸۰ هزار تومانی آخر هفته، هزینه‌های جاری خود را در شرایط تورمی پوشش دهند.

افق پیش‌رو: ریل‌گذاری نوین سینمای ایران در آستانه اکران‌های تابستانی

تحلیل جامع گیشه سینمای ایران در هفته نخست خرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که فرضیه رکود مطلق سینماها قابل بازنگری است. با وجود بحران‌های بزرگ اقتصادی، نوسانات طلا و ارز و التهابات پساجنگ، گیشه نشان داد که در صورت اکران آثار متنوع و اعمال سیاست‌های حمایتی منعطف همچون بلیت شناور، مخاطب ایرانی همچنان خریدار جدی تصویر روی پرده است.

گشایش اکران در هفته‌های پیش‌رو با ثبت قرارداد فیلم‌های پرمخاطبی چون «زنده‌شور» ساخته کاظم دانشی (کارگردان علف‌زار) و «استخر» به کارگردانی سروش صحت، نویدبخش داغ‌تر شدن تنور گیشه در فصل تابستان است. سیاست‌گذاران سازمان سینمایی و شورای صنفی نمایش باید دریابند که ممیزی‌های سلیقه‌ای و ایجاد انسداد در مسیر اکران آثار اجتماعی، نه‌تنها مانع فروش آن‌ها نمی‌شود، بلکه با ایجاد اثر مارکتینگ معکوس، فروش آن‌ها را به طور غیرطبیعی افزایش می‌دهد.

راهکار تداوم رونق سینمای ملی، ریل‌گذاری اصولی برای اکران موازی کمدی‌های هجوآمیز باکیفیت، درام‌های دغدغه‌مند شهری و آثار فانتزی کودک در بستری از امنیت سرمایه و توزیع عادلانه سالن‌ها در سراسر کشور است.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

ساخت ۲۷ مدرسه طی ۱۶ ماه در مشهد

فرماندار ویژه مشهد گفت: ۲۷ مدرسه با ۲۰۰ کلاس درس با کمک خیران از دی ماه ۱۴۰۳ در قالب فعالیت دولت چهاردهم تاکنون در این شهرستان ساخته شده است.

سید حسن حسینی روز گذشته در حاشیه آیین افتتاح دبستان ۳ کلاسه «قمر علیمردانی» در روستای «آل» در بخش مرکزی مشهد در گفت وگو با خبرنگاران افزود: همچنین با آغاز پویش «با-من» در تابستان پارسال ساخت ۱۸۶ مدرسه در مشهد به عنوان تعهد شهرستان تا مهرماه ۱۴۰۵ تعیین شده که تاکنون ۲۰ مدرسه در قالب این پویش با ۱۵۵ کلاس درس ساخته شده و ۲۰ مدرسه دیگر تقریبا تکمیل شده و به مرور افتتاح خواهد شد.

وی گفت: از ۱۴۶ مدرسه دیگر که تعهد شهرستان است، ساخت ۱۴۰ مدرسه آغاز شده و نزدیک به ۴۰ درصد از این تعداد بین ۵۰ تا ۹۰ درصد پیشرفت و بقیه کمتر از ۵۰ درصد پیشرفت دارند.

فرماندار مشهد ادامه داد: ساخت ۶ واحد آموزشی دیگر هنوز آغاز نشده که می توان گفت پیگیری برای آغاز عملیات اجرایی ساخت این تعداد به عنوان یک چالش در دست پیگیری است.

حسینی همچنین در آیین افتتاح مدرسه آل با اشاره به اینکه شهرستان مشهد از وسعت بالایی برخوردار است، اظهار کرد: ما وظایف متعددی را در این شهرستان بر عهده داریم اما رییس جمهور تکلیف مهمی را به ما سپرده‌اند که آن «توسعه عدالت در فضاهای آموزشی» است.

وی با بیان اینکه سرانه‌های شهرستان مشهد بویژه در بخش تبادکان نسبت به کشور پایین است، افزود: تدریس حضوری در مدارس نسبت به آموزش مجازی مزیت های بسیار بیشتری دارد لذا اهمیت کلاس حضوری قابل قیاس با مجازی نیست، بر این اساس؛ کلاس‌های جبرانی و رفع اشکال را مصوب کرده‌ایم تا برای دانش‌آموزان برگزار شود.

دبستان سه کلاسه قمر علیمردانی با دویست متر مربع زیربنا و هزینه‌ای بالغ بر ۵۰ میلیارد ریال، مشارکت خیرین و اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس خراسان رضوی ساخته شده است.

روستای آل در ۵۰ کیلومتری شمال شرق مشهد در دهستان کارده بخش مرکزی مشهد واقع شده است.

حدود ۸۰۰ هزار دانش آموز در هفت هزار و ۵۰۰ واحد آموزشی شهرستان مشهد مشغول به تحصیل هستند.

استاندار: زیرساخت‌های ورزش خراسان رضوی در حال خاک خوردن است

استاندار خراسان رضوی گفت: زیرساخت‌های ورزشی بسیار خوبی در خراسان رضوی داریم، اما این زیرساخت‌ها در حال خاک خوردن هستند و نیاز به یک تحول اساسی در حوزه ورزش داریم.

غلامحسین مظفری، شامگاه روز گذشته در جشن صعود تیم دائم پناه مشهد به لیگ برتر فوتسال، اظهار کرد: باید همه دست به دست هم دهیم و فرصتی را برای جوانان استان خراسان رضوی فراهم کنیم. جمعیت شهر مشهد به تنهایی از ۲۵ استان کشور بیشتر است. بحث‌ها و صحبت‌های فراوانی شده و کارهای خوبی در حوزه ورزش خراسان رضوی انجام شده است، اما اصلاً راضی نیستیم

وی افزود: اراده ما بر این است که بتوانیم یک اقدام اساسی و ماندگار انجام دهیم. هنوز در ابتدای راه هستیم. زیرساخت‌های ورزشی بسیار خوبی داریم، اما این زیرساخت‌ها در حال خاک خوردن هستند و این برای استانی مانند خراسان رضوی حیف است. نیاز به یک تحول اساسی در حوزه ورزش داریم و ضرورت آن نیز احساس می‌شود.

استاندار خراسان رضوی تصریح کرد: خوشبختانه در خراسان رضوی، فضای عمومی استان، سطح حاکمیت و همه ارکان در کنار هم قرار گرفته، همدل و همراه هستند و همه آماده‌ایم که یک جهش در حوزه ورزش داشته باشیم و معنای واقعی باشگاه‌داری را در استان تجربه کنیم. قدم‌هایی برداشته شده، اما کار زیادی هنوز باقی مانده است.

وی با تأکید بر اینکه هیچ‌کس به جز خودمان در استان، به فکر ما نیست، بیان کرد: خودمان باید شروع کنیم. استان خراسان رضوی ظرفیت، امکانات و منابع دارد. یک نفر مثل آقای دائم پناه به تنهایی یک کار بزرگ را انجام داده است و قطعاً مجموعه‌های بزرگ‌تر نیز این امکان را دارند که در ورزش ورود پیدا کنند؛ اگر فضا را ببینند.

مظفری با بیان اینکه مایه تأسف است که تیم دائم پناه، تنها نماینده شرق کشور در لیگ برتر فوتسال و فوتبال است، بیان کرد: نیمه شرقی کشور از بسیاری از امکانات محروم است و این ظلمی در حق این منطقه است. وقوع جنگ ثابت کرد که تمرکز همه چیز در مرکز و غرب کشور آسیب زننده است. آسیب‌هایی که از نداشتن امکانات خوب ورزشی برای جوانان در شرق کشور وجود دارد، به ظاهر دیده نمی‌شود اما در عمل خود را نشان می‌دهد. امیدواریم بتوانیم قدم‌های مؤثری برای ورزش استان خراسان رضوی برداریم.

دعوت شهردار از استان‌های دیگر کشور برای استفاده از امکانات ورزشی مشهد

در ادامه، محمدرضا قلندرشریف - شهردار مشهد درباره خدماتی که در این دوره مدیریت شهری در حوزه ورزش صورت گرفته، اظهار کرد: در این دوره، به اندازه مجموع ادوار گذشته در شهرداری، زیرساخت‌های ورزشی برای جوانان و نوجوانان شهر مشهد فراهم کرده‌ایم. از جمله این پروژه‌ها، زمین فوتبال استاندارد چمن مصنوعی مشهد است؛ زیرساختی ارزشمند که بستر مناسبی برای برگزاری مسابقات مختلف فراهم کرده است. در مقیاس محلات نیز، زمین‌های متعدد ورزشی روباز اعم از آسفالت و چمن و سالن‌های چندمنظوره ورزشی را توسعه داده‌ایم. ما با آغوش باز از تمامی تیم‌های شهر مشهد و سایر استان‌ها برای استفاده از این زیرساخت‌ها دعوت می‌کنیم.

وی افزود: در مشهد، مجموعه‌ای کامل از ورزش‌های ساحلی را در مناطق محروم احداث کرده‌ایم و در تمامی بوستان‌های شهر، در حال ایجاد زمین‌های ساحلی هستیم تا امکان بهره‌برداری ترکیبی برای ورزش‌هایی نظیر فوتبال و والیبال فراهم شود.

قلندرشریف با اشاره به افزایش بوستان‌های بانوان در مشهد، تشریح کرد: مجموعه‌های پارک بانوان را در این دوره مدیریت شهری، از حدود ۴۵ هکتار به بیش از ۸۰ هکتار افزایش داده‌ایم. در کنار فضاهای تفرجگاهی، امکانات ورزشی کاملی شامل زمین‌های روباز والیبال، بسکتبال، تنیس، فوتسال و مسیرهای ویژه دوچرخه‌سواری به همراه دوچرخه‌های بایدو، برای آسایش و سلامت بانوان در این بوستان‌ها مهیا شده است.

شهردار مشهد خبر داد: اولین زمین ورزشی چمن مصنوعی استاندارد و اختصاصی بانوان نیز تا یک ماه دیگر در پارک ملت مشهد آماده بهره‌برداری است. این مکان در محدوده‌ای کاملاً حفاظت‌شده و با امکانات کامل آماده شده است و با این بستر، می‌توان مسابقات لیگ و تمرینات تیم ملی بانوان را نیز در آنجا برگزار کرد تا بانوان مشهدی از تماشای آن لذت ببرند.

فرصت ارتقا ورزش خراسان رضوی به شدت در حال از دست رفتن است

در ادامه، امیرحسین آیت‌اللهی رئیس شورای سیاست‌گذاری ورزش خراسان رضوی اظهار کرد: در گذشته، روزهایی بود که با حداقل امکانات موجود، بیشترین افتخارات ورزشی کشور، متعلق به استان خراسان رضوی بود. در فوتبال، دو و میدانی، کاراته، کشتی، جودو، وزنه‌برداری و سوارکاری در لیگ برتر تیم داشتیم و در این رشته‌ها بلامنازع قهرمان ایران بودیم.

وی با تأکید بر اینکه این فرصت ارتقا ورزش خراسان رضوی به شدت در حال از دست رفتن است، بیان کرد: متاسفانه ورزش استان خراسان رضوی به نقطه‌ای رسیده بود که هیچ جایگاهی در کشور نداشت. با این همه جوان، هوادار و جمعیتی که توانایی آن‌ها از بسیاری از استان‌های کشور بیشتر است، در فوتبال در لیگ‌های دو و سه دست و پا می‌زدیم و قهرمانانمان در رشته‌های دیگر به دنبال یافتن قراردادی با تیم‌های خارج از استان بودند. هزینه بسیار زیادی برای تغییر فضای ورزش کشور پرداخت شده و ما حاضر به پرداخت آن بودیم و امروز نوید روزهای بهتری را می‌بینیم.

رئیس شورای سیاست‌گذاری ورزش خراسان رضوی تصریح کرد: اگر جو ورزش استان خراسان رضوی در گذشته خوب بوده، آن را ادامه دهیم. چه اتفاقی در بین ورزشی‌ها افتاد که این فضا را ایجاد کرد؟ می‌توانیم همان همبستگی را ادامه دهیم. اگر فکر می‌کنید این ورزش باید تغییر می‌کرد و ما باید آن را تغییر می‌دادیم، پس باید فضا را به سمت دوستی و همدلی ببریم و از پیشرفت یکدیگر شاد باشیم.

وی ادامه داد: امیدوارم فرصتی از دست نرود که بعدها بگوییم «کاش آن کار را می‌کردیم». امروز، روز انجام آن «

ای کاش‌ها» است. اگر در کنار هم جمع شویم و ظرفیت خود را به کار بگیریم و از پیشرفت هم خوشحال شویم، می‌توانیم استان خراسان رضوی را به بالاترین مدارج ورزش کشور برسانیم؛ کما اینکه در گذشته نیز چنین بوده است.

صعود تیم دائم پناه مشهد به لیگ برتر فوتسال علی‌رغم شرایط دشوار

در ادامه، ابوالفضل دائم‌پناه مالک باشگاه بازرگانی دائم پناه اظهار کرد: تیم فوتسال دائم پناه متعلق به همه جوانان خراسان رضوی و مشهد است. صعود به لیگ برتر فوتسال در شرایطی رقم خورد که کشور ما درگیر جنگی بسیار سخت و ناجوانمردانه بود و با مشکلات اجتماعی و اقتصادی گوناگونی نیز مواجه بودیم.

وی افزود: صعود تیم دائم پناه مشهد به لیگ برتر فوتسال در شرایطی انجام شد که تیمی بسیار سخت پیش روی ما بود؛ تیم بزرگ استقلال؛ اما هر طور که بود آن را پشت سر گذاشتیم. این مسئله یادآور آن است که ما با همدلی و اتحاد، در همه شرایط سخت، می‌توانیم کارهای بزرگ انجام دهیم.

دائم‌پناه با اشاره به ظرفیت بالای استان خراسان رضوی در فوتسال، تصریح کرد: متأسفانه با اینکه خراسان رضوی ظرفیت بالایی در فوتسال دارد، اما هیچ تیم لیگ برتری در فوتسال نداشت و جوانان استان نیز به این موضوع نیاز داشتند و یک مطالبه اجتماعی و فرهنگی بود که ما توانستیم گوشه‌ای از مطالبات مردم و مسئولیت اجتماعی خود را انجام دهیم.

مالک باشگاه دائم پناه بیان کرد: ما نیازمند حمایت مردم و مسئولین هستیم. این حمایت نه از راه کمک مالی، زیرا در شرایط فعلی درک می‌کنیم که اکنون شرایطی نیست که بتوانند به ما کمک مالی کنند، اما همین که کنار ما باشند و از ما حمایت کنند، کافی است.

یادداشت

باورهای گمشده ذهنی؛ غول پنهان توسعه کشور

مهندس علی میری -کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

در مسیر پرفراز و نشیب توسعه، گاه عواملی پنهان و نادیدنی هم‌چون ترمزهایی عمل می‌کنند که سرعت حرکت جامعه را کند، و حتی آن را متوقف می‌سازند. یکی از این عوامل کلیدی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، «باورهای گمشده ذهنی» است. این باورها، هرچند نامرئی‌اند، اما از قدرتمندترین موانعی هستند که چرخ‌های پیشرفت را از حرکت بازمی‌دارند. ضعف در نوآوری و کارآفرینی، فرار مغزها، رکود سرمایه‌گذاری، یأس و سرخوردگی، کم‌کاری و بی‌انگیزگی، افزایش بی‌اعتمادی، شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی، تنها بخشی از پیامدهای این پدیده خطرناک است. شاید بارها از خود پرسیده باشیم که چرا با وجود منابع طبیعی فراوان، ظرفیت انسانی گسترده و شعارهای پرطمطراق درباره عدالت و توسعه، کشور هم‌چنان در مسیر پیشرفت پایدار با کندی و رکود روبه‌روست؟ و چرا با وجود این همه ظرفیت عظیم مادی و معنوی، و برخوردار از نیروی انسانی هوشمند و توانمند، هنوز در تله واماندگی گرفتاریم و در مدار بسته عقب‌ماندگی و درجا زدن می‌چرخیم؟ واقعیت این است که ما با نوعی «پارادوکس راهبردی» روبه‌رو هستیم: کشوری برخوردار از منابع عظیم خدادادی، اما گرفتار واماندگی!! وقتی وفور منابع در کنار ضعف شاخص‌های توسعه قرار می‌گیرد، روشن می‌شود که ترمز اصلی پیشرفت نه در خزانه‌های خالی است و نه صرفاً در تحریم‌های خارجی؛ بلکه در «ایست ذهن جزیره‌ای» تصمیم‌گیرانی نهفته است که هنوز به ضرورت تحول واقعی باور ندارند.

مشکل اصلی ما، علاوه بر انحصار در لایه‌های قدرت، شکاف میان «شعار» و «باور» است. این همان ایست ذهنی است؛ جایی که شعارها، به‌جای آنکه موتور محرک عمل باشند، به نقابی برای پنهان کردن ناتوانی‌ها تبدیل می‌شوند. اینکه کشوری با چنین سهم قابل‌توجهی از منابع طبیعی و جمعیتی کمتر از یک درصد جهان، در شاخص‌های توسعه این‌گونه عقب می‌ماند، معمایی است که باید وجدان بیدار نخبگان و دانشگاهیان را به چالش بکشد.

به‌نظر می‌رسد وقتی منابع هست اما پیشرفت نیست، مسئله صرفاً «بودجه» نیست؛ بلکه مشکل در کیفیت حکمرانی و شکاف میان شعار و باور است. این شکاف در موضوع «جوان‌گرایی» به‌وضوح دیده می‌شود. سال‌هاست از نقش نسل جدید سخن می‌گوییم، اما در ساختارهای بسته و تکراری مدیریتی، پاشنه‌آشیل امور همچنان بر مدار انحصارگرایی می‌چرخد. از جوانان می‌گوییم، اما فرصت واقعی اثرگذاری را از آنان دریغ می‌کنیم؛ چراکه هنوز به توانایی آنان به‌عنوان موتور پیشران تحول کشور، آن‌گونه که باید، باور نداریم. و نتیجه آن می‌شود که شعار نوسازی با واقعیت انحصار در تضاد قرار می‌گیرد.

چالش مشابهی در حوزه آموزش‌وپرورش و آموزش عالی نیز مشهود است. کشورهای توسعه‌یافته از دروازه آموزش پیشرفته عبور کرده‌اند. نمی‌توان از تحول سخن گفت، اما ستون اصلی آن، یعنی نظام آموزشی و معلم، را در حاشیه نگه داشت. اگر قرار است مهارت، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری در جامعه نهادینه شود، آموزش‌وپرورش و در رأس آن معلم، باید در متن تصمیم‌گیری‌های کلان کشور قرار گیرد و سیاست جذب و گزینش نیروی انسانی این حوزه با نگاهی تحول‌گرایانه بازنگری شود. همچنان که مشاهده می‌شود، با وجود دستیابی به رتبه‌های علمی برتر جهانی در حوزه مقالات ISI، در تبدیل دانش به «ثروت ملی» بسیار ناتوانیم؛ این نقیصه در نظام رتبه‌بندی اساتید و ساختار حاکم بر دانشگاه‌ها نیازمند بازبینی جدی است.

قرآن کریم راهکار عبور از این مشکلات را به‌روشنی بیان می‌کند:

«إِنّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّروا ما بِأَنفُسِهِم»

اصلاح، فرآیندی است که باید از درون آغاز شود.

اگر قرار است از این وضعیت عبور کنیم، چاره‌ای جز تغییر نگاه و اصلاح ساختارهای فرسوده نداریم. باید این ترمز پنهان را که اجازه نمی‌دهد ظرفیت عظیم کشور به ثروت ملی تبدیل شود، از کار بیندازیم. باید بپذیریم که در عصر فراصنعتی، تنها اتکا به منابع زیرزمینی برای قدرت برتر شدن در منطقه کافی نیست. فرانسیس بیکن و الوین تافلر به‌درستی بر این نکته تأکید دارند که «دانایی و آگاهی منشأ قدرت است»؛ همان حقیقتی که فردوسی بزرگ شاعر نامدار ایرانی قرن‌ها پیش به آن پرداخته است: «توانا بود هر که دانا بود»

آری! امروز قدرت واقعی یک کشور نه در نفت و معادن، بلکه در سلاح دانش و فناوری بومی آن نهفته است. داشتن منابع، بدون بهره‌گیری از سرمایه انسانی صاحب‌اختیار، نه یک مزیت، بلکه یک تله است.

توسعه با بخشنامه و شعار ایجاد نمی‌شود؛ پیشرفت زمانی آغاز می‌شود که جرأت اعتماد، جای تردید را بگیرد و اراده ملی برای کنار گذاشتن ساختارهای فرسوده شکل بگیرد. هنگامی که باورهای ما همسو با شعارهایمان متحول شوند، تلاش‌های بیرونی نیز به ثمر خواهد نشست. این، نخستین و اساسی‌ترین گام برای تحقق پیشرفت واقعی ایران است.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

پساجنگ و ضرورت آموزش سواد حقوقی در ایران؛

شکاف میان قانون و مردم

یک حقوقدان به خبرآنلاین می‌گوید: «از منظر پژوهشی می‌توان گفت که سطح کلی «سواد حقوقی» در افکار عمومی ایران که شامل آگاهی نسبت به حقوق مدنی و شهروندی، مکانیزم‌های دسترسی به عدالت و شناخت تکالیف قانونی است در سطحی نابرابر و معمولاً ناکافی قرار دارد.»

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرانلاین در جهان معاصر، دیگر «دانستن قانون» یک امتیاز تخصصی برای وکلا یا قضات نیست، بلکه یکی از مؤلفه‌های بنیادین زیست شهروندی مدرن به شمار می‌رود. جامعه‌ای که شهروندان آن از حقوق، تکالیف و سازوکارهای دادخواهی بی‌خبر باشند، هرچقدر هم دارای نظام قانون‌گذاری پیشرفته باشد، در عمل از عدالت فاصله خواهد گرفت. سواد حقوقی، در واقع، سرمایه‌ای اجتماعی است که به جامعه قدرت تنظیم روابط، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات و مهارت زندگی در چارچوب قانون را می‌بخشد.

در ایران نیز، پس از گذشت چند دهه از گسترش تحصیلات رسمی و رسانه‌های همگانی، پرسش بنیادین این است که تا چه اندازه توانسته‌ایم دانش حقوقی را به دانایی اجتماعی تبدیل کنیم.

به گفته محمدمهدی سیدناصری، حقوقدان و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان، «بررسی‌ها و تجربه‌های میدانی نشان می‌دهد که شکاف عمیقی میان حجم قوانین و میزان آگاهی عمومی از آن‌ها وجود دارد؛ شکافی که ریشه در ساختار آموزشی، زبان حقوقی دشوار، ناکارآمدی اطلاع‌رسانی عمومی و بی‌اعتمادی اجتماعی به نهادهای حقوقی دارد.»

او در خصوص ضرورت ارتقای سواد حقوقی، به خبرآنلاین می‌گوید: «امروزه گفت‌وگو درباره «سواد حقوقی» صرفاً بحثی نظری نیست، بلکه ناظر بر یکی از شاخص‌های اصلی توسعه انسانی است. جامعه‌ای که شهروندان آن حق را بشناسند، تکلیف را درک کنند، و راه دادخواهی را بدانند، جامعه‌ای است که در برابر فساد، تبعیض و خشونت مقاوم‌تر است. از همین رو، ارتقای سواد حقوقی دیگر وظیفه‌ای محدود به نهاد قضایی یا دانشگاه نیست، بلکه مأموریتی ملی است که نظام آموزشی، رسانه‌ها، سازمان‌های مدنی و خود مردم باید در آن نقش‌آفرینی کنند.» از ترس قانون تا فهم قانون؛ بازتعریف رابطه شهروند و عدالت

این پژوهشگر معتقد است که افزایش سواد حقوقی جامعه تنها به معنای آگاهی از مواد قانون نیست؛ بلکه بازسازی رابطه شهروند و قانون است: «جامعه‌ای که سواد حقوقی در آن نهادینه شود، دیگر صرفاً در پی «دادخواهی پس از وقوع ظلم» نیست، بلکه از ابتدا در مسیر پیشگیری، شفافیت و مطالبه‌گری مدنی حرکت می‌کند. در چنین جامعه‌ای، قانون نه ابزاری برای ترس، بلکه ضامنی برای کرامت انسانی و سامان اجتماعی است.

سرمایه‌گذاری در آموزش حقوقی کودکان، توانمندسازی رسانه‌ها، و ساده‌سازی زبان حقوقی، می‌تواند در بلندمدت «فرهنگ عدالت» را جایگزین «فرهنگ اجبار» کند. امروز بیش از هر زمان دیگر، ما نیازمند بازتعریف رابطه مردم با قانون هستیم: از انفعال به آگاهی، از ترس به مشارکت، از سردرگمی به مطالبه‌گری.»

او اضافه می‌کند: «اگر سیاست‌گذاران، نظام آموزشی و رسانه‌های ما به این درک برسند که آگاهی حقوقی همان پیش‌شرط دموکراسی، امنیت و رشد اجتماعی است، آن‌گاه می‌توان گفت مسیر توسعه در ایران به‌راستی به سوی پایداری و عدالت اجتماعی حرکت کرده است. به تعبیر دقیق‌تر، آینده جامعه‌ای عادل، از مدرسه و رسانه‌ای آغاز می‌شود که شهروندانش را با حقوق‌شان آشنا و به زبان قانون مجهز کند.»

سطح سواد حقوقی جامعه ایران چقدر است؟

طبق گفته این حقوقدان، «از منظر پژوهشی می‌توان گفت که سطح کلی «سواد حقوقی» در افکار عمومی ایران که شامل آگاهی نسبت به حقوق مدنی و شهروندی، مکانیزم‌های دسترسی به عدالت و شناخت تکالیف قانونی است در سطحی نابرابر و معمولاً ناکافی قرار دارد.»

او این قضاوت را بر سه شاخص عملی استوار می‌داند: «نخست، حضور پراکنده و غیرهماهنگ سواد حقوقی در متون آموزشی رسمی، دوم کمبود برنامه‌های آموزشی فراگیر و باثبات برای بزرگسالان و گروه‌های حاشیه‌ای، و سوم شیوع تصورات نادرست یا ناقص درباره فرایندهای دادخواهی و حقوق شهروندی در میان اقشار مختلف»

او با اتکا به پژوهش‌های ملی، اضافه می‌کند: «مولفه‌های سواد حقوقی در کتاب‌های درسی و محتواهای برنامه‌ریزی درسی یا پراکنده‌اند یا آمادگی لازم برای تربیت شهروند حقوق‌مدار را ندارند؛ بنابراین مردم درک نظری و کاربردی نسبت به حقوق و روش‌های مطالبه آن را به‌طور کامل نیافته‌اند.»

چرا سواد حقوقی جامعه پایین است؟

پایین بودن سواد حقوقی را باید چندوجهی دید. سیدناصری مهم‌ترین عوامل را اینگونه برمی‌شمارد:

«۱. ضعف ساختاری در نظام آموزشی رسمی: محتوای مرتبط با حقوق، شهروندی و سازوکارهای قضایی یا اندک است و یا به‌صورت پراکنده و غیرکاربردی ارائه می‌شود؛ آموزش صرفاً توصیفی و حافظه‌محور است و به پرورش مهارت‌های مطالبه حق و کاربست حقوق در زندگی روزمره نمی‌پردازد.

۲. ناکافی بودن برنامه‌های آموزش همگانی و دسترسی‌محور: دستگاه‌های متولی از جمله قوه‌قضاییه، نهادهای مدنی و اجرایی اغلب برنامه‌های پراکنده دارند که به‌درستی ارزیابی، هدف‌گذاری و مقیاس‌بندی نشده‌اند؛ در نتیجه پوشش جمعیتی محدود است.

۳. پیچیدگی و قابلیت‌فهم‌نبودن زبان حقوقی: اسناد و رویه‌ها غالباً به‌زبان تخصصی و دشوار تدوین شده‌اند که برای مخاطب عمومی قابل‌فهم نیست.

۴. خلأ اعتماد به نهادهای حقوقی و قضایی: وقتی شهروندان تجربه‌های ناکافی یا بعضاً ناموفق از مطالبه حقوق دارند، انگیزه جستجوی دانش حقوقی کاهش می‌یابد.

۵. نقش متناقض رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی: رسانه می‌تواند آگاهی‌آفرین باشد اما گاه اطلاعات ناقص، شتاب‌زده یا نادرست نیز منتشر می‌کند که موجب سردرگمی می‌شود.»

ناآگاهی حقوقی در زندگی روزمره چه پیامدی دارد؟

به باور این حقوقدان، بخش قابل‌توجهی از تضییع حقوقِ روزمره و ورود افراد به اختلافات حقوقی ریشه در عدم‌آگاهی یا آگاهی ناقص دارد: «اشتباه در تفسیر قراردادها، عدم‌شناخت راهکارهای پیشگیرانه، و عدم‌آشنایی با حقوق مصرف‌کننده یا رویه‌های اداری باعث تشدید اختلافات می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «در سطح جمعی، ضعف سواد حقوقی منجر به ناتوانی در مطالبه حقوق عمومی و محلی، عدم مشارکت مؤثر در فرایندهای تصمیم‌گیری محلی و ضعف نظارت اجتماعی می‌شود. البته باید توجه داشت که همه مشکلات ریشه در سواد حقوقی ندارند؛ اما افزایش سواد حقوقی همواره یکی از مؤثرترین ابزارهای پیشگیری و کاهش تعداد و شدت دعاوی است.»

بستر رسانه‌ای؛ فرصت یا تهدید؟

رسانه‌ها می‌توانند نقش محوری و چندلایه در ارتقای سواد حقوقی ایفا کنند؛ اما این نقش زمانی اثربخش خواهد بود که هدفمند، مستند و همراه با ارجاع‌پذیری باشد.

محمدمهدی سیدناصری، با اشاره به دو وجهی بودن نقش رسانه‌ها در این زمینه اظهار می‌کند: «قالب‌های مؤثر شامل گزارش‌های تحلیلی، تولید محتوای کاربردی کوتاه، پوشش مستند آرای قضایی، همکاری با حقوق‌دانان و تولید برنامه‌های تخصصی است. همچنین سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی می‌توانند در صورت دقت، نقش آموزشی ایفا کنند.

با این حال، رسانه‌ها می‌توانند اثر مخرب نیز داشته باشند اگر اطلاعات ناقص یا جهت‌دار منتشر کنند یا قضاوت‌های هیجانی را جایگزین تحلیل حقوقی کنند. در ایران، عملکرد رسانه‌ها ترکیبی از تلاش‌های مفید و کاستی‌های جدی است و هنوز با استانداردهای مطلوب فاصله دارد.»

آموزش حقوقی؛ یک ابزار پیشگیری اجتماعی

سرمایه‌گذاری در سواد حقوقی کودکان و نوجوانان یکی از قدرتمندترین اقدامات پیشگیرانه است. وقتی کودکان با حقوق خود، مرزهای قانونی و مهارت‌های تصمیم‌گیری آگاه شوند، احتمال درگیر شدن در رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

سیدناصری به‌عنوان یک پژوهشگر حقوق کودک عنوان می‌کند: «آموزش حقوقی به کودکان کمک می‌کند نشانه‌های سوءاستفاده را شناسایی و گزارش کنند و به خانواده‌ها و معلمان نیز ابزار حمایت مؤثر می‌دهد. تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد دسترسی کودکان به اطلاعات حقوقی، هم از وقوع آسیب‌ها جلوگیری می‌کند و هم کیفیت مداخلات حمایتی را افزایش می‌دهد.

بنابراین، ادغام سواد حقوقی در برنامه‌های درسی، آموزش معلمان و کمپین‌های رسانه‌ای هدفمند برای نوجوانان باید در اولویت سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد.»

تیم فوتبال مهد مشهد در مقابل تیم فوتبال همدم تن به شکست داد!

تیم فوتبال مهد مشهد به‌مناسبت گرامیداشت عید قربان، میهمان ورزشکاران همدمی شدند و با آنها مسابقه دادند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از روابط عمومی موسسه‌ی خیریه‌ی همدم، این مسابقه‌ی جذاب که روز سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ در زمین ورزشی همدم برگزار شد، فرصتی بود تا جمعی از دختران جوان و نوجوان ورزشکار و فوتبالیست مشهدی با حضور در جمع فرزندان همدم با آنها رفاقت و دوستی دیرینه‌ای آغاز کنند و در کنار ورزش و مسابقه صحنه‌هایی از همدلی را به‌نمایش بگذارند.

این روز فرصتی شد تا سرپرست، مربیان و ورزشکاران تیم دختران مهد فوتبال مشهد، لحظاتی ماندگار و سرشار از رضایت و خوش‌حالی به‌جای بگذارند، حامی همدم شوند، گاهی یکی جلو بزنند و زمانی دیگر نوبت آن‌یکی شود تا پیش برود؛ درنهایت همه آن جمع برنده باشند و هرکسی تکه‌ای از آن روز را با خود به خانه ببرد.

برای دختران همدم که شاید کمی با دیگردختران این شهر تفاوت داشته باشند، نفس‌نفس‌زدن‌ها وسط زمین، شوت‌هایی که با دلهره توپ را به گوشه دروازه هدایت می‌کرد و بعد جیغ و خوش‌حالی و درآغوش‌گرفتن همدیگر بعد از هرگل، سوغاتی این بازی بود.

تیم زردپوش داوران، برخلاف همیشه سعی می‌کردند در کنار سوت‌زدن، سخت‌گیری نکنند و حتی نکاتی را هم به ورزشکاران همدمی آموزش دهند و بیشتر در نقش مربیانی مهربان باشند تا داور.

این مسابقه‌ی جذاب و دیدنی به همت فاطمه میرزی (نایب رییس کمیته‌ی بانوان هیات فوتبال مشهد و نماینده‌ی رسمی فدراسیون فوتبال در بازی‌های لیگ برتر کشور) که یاور قدیمی ورزشی همدم است، شکل گرفت و او که هر سال چنین مسابقاتی برای فرزندان همدم برگزار می‌کند با دلی سرشار از مهربانی گفت: «همدم خانه‌ی ماست. من و دختران فوتبالیست مهشدی افتخار می‌کنیم هر سال در جمع اهالی این خانه حضور پیدا می‌کنیم و شادی عمیقی برای خودمان به ارمغان می‌بریم. در واقع فرزندان همدم هستند که به‌ما انرژی می‌دهند و امیدواریم باز هم افتخار حضور در این جمع معنوی و صمیمی را پیدا کنیم و هرکاری از دستمان برمی‌آید برایشان انجام دهیم.»

فاطمه عباسی (مدرس فوتبال و استعدادیاب زیر ۱۷ سال تیم ملی) که خودش دارای مدرک مربیگری A آسیا هست نیز در این مسابقه حضور داشت و او هم با دیدن شوتهای خوب و بازی در حد قبول فرزندان همدم به‌وجد آمده بود و گفت: «تیم دختران توانمند همدم در سطح خوبی بازی می‌کنند و امیدواریم بتوانیم با برگزاری این مسابقات دوستانه هم روحیه‌ی آنها را در سطح خوبی نگهداریم و هم به‌سلامتی جسمانی آنها خدمت کنیم. بنده با تمام وجودم آماده هستم در طول ماه جلساتی آموزشی برای این عزیزان برگزار کنم و با این کار وظیفه‌ام را نسبت به همدم عملی کنم.»

تیم دختران همدم نسبت به مسابقات قبلی حرفه‌ای‌تر بودند که نشان از تمرینات منظم آنها داشت. پاس‌کاری‌ها بهتر شده بود، می‌توانستند با توپ حرکت کنند، به صحبت‌های مربی کنار زمین گوش می‌دادند و درنهایت تا دلمان بخواهد جسارت شوت‌کردن به‌سمت دروازه را داشتند. در نهایت برنده‌ی این بازی قطعا دختران همدمی با ۵ بر ۱ بودند و مربیان و بازیکنان تیم مهد فوتبال مشهد و حتی داوران نیز به این نتیجه راضی بودند. همدمی‌ها خوش‌حال از این پیروزی نزد خواهران‌شان که کنار زمین آنها را بصورت مداوم تشویق می‌کردند، رفتند و همدیگر را در بغل گرفتند و میهمانان همدم نیز از این شادی و خوشحالی که با همت آنها به‌دست آمده بود، شادمان شدند.

عکس‌های یادگاری و تشویق‌های زیاد، پایان این روز خوش برای دختران همدم بود.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی

شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۹۴
Vol.3.No.2294 / May 30.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

◆ روزنامه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خراسان رضوی و شمالی
◆ صاحب امتیاز و مدیر مسئول : حسین رفیعی
◆ صفحه آرا: زینب پاک منظر
◆ روابط عمومی وامور مشترکین: ۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱
◆ سازمان آگهی‌ها: ۳۸۹۲۹۸۲۳-۰۵۱
◆ نشانی: بولوار دانش آموز – دانش آموز ۳۰-پلاک ۴
◆ تلفن: ۳۸۹۲۹۸۲۴-۳۸۹۲۹۸۲۵
◆ نمابر: ۳۸۹۲۳۴۵۲ – ۰۵۱ سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۸۰۸۸۸
◆ دفتر خراسان شمالی: ۰۵۸۳۲۲۵۹۰۱۸

■ مطالب درج شده در روزنامه الزاما به معنای تایید محتوای آن نمی باشد.
■ روزنامه صبح امروز پذیرای مطالب و مقالات شما مخاطبان ارجمند می باشد.

Sobh_Emrooz
Sobh_Emrooz

درگاه پرداخت امن

۵۱۱/۶اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۳۸۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید ابراهیم اصغری فرزند سید محمد بشماره شناسنامه ۲۴۱ صادره از فریمان دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۷۶۱ متر مربع پلاک فرعی از ۳۴۱ اصلی واقع در بخش ۵ مشهد خریداری از مالک رسمی آقای سید موسی اصغری محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۵۲

حسین مهرجو – رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

۵۱۱/۷اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۳۸۵۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید ابراهیم اصغری فرزند سید محمد بشماره شناسنامه ۲۴۱ صادره از فریمان دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۳۷۳ متر مربع پلاک فرعی از ۳۴۱ اصلی واقع در بخش ۵ مشهد خریداری از مالک رسمی آقای سید موسی چشمه مونس محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۵۳

حسین مهرجو – رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

۵۱۱/۸آگهی آراء هیات اخلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی

دراجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۴ و۱۳ آئین نامه اجرائی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک فریمان مورد رسیدگی و تائید قرار گرفته جهت اطلاع عموم درنوبت به فاصله ۱۵ روز و در دونشریه ناشر آگهی های ثبتی بشرح زیر آگهی می گردد.

۱-ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام خانم هاجر خزاعی به مساحت ۱۴۳۰۱/۸۶ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی سید علی هژبری کلالی به شماره قطعه ۶۷۷

۲-ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای سید علی هژبر کلالی به مساحت ۶۳۹۴۷/۳۳ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی متقاضی به شماره قطعه ۳۸۰

۳-ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام خانم فاطمه خسروی به مساحت ۴۰۲۲۶/۵ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی میرزای احمد خسروی به شماره ۶۳۹

۴- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام خانم زهرا خسروی به مساحت ۲۰۲۳۴/۷۱ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی سید علی هژبری کلالی به شماره قطعه ۷۲۶

۵- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام خانم مریم خسروی به مساحت ۲۰۱۱۱/۷۲ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی میرزا احمد خسروی به شماره قطعه ۷۲۷

۶- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام خانم کلثوم خسروی به مساحت ۲۰۱۱۷/۶۷ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی میرزا احمد خسروی به شماره ۷۲۸

۷- ششدانگ یک قطعه زمین مزورعی به نام خانم صدیقه سادات هژبر کلالی به مساحت ۳۱۷۴۰/۲۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی شیر علی هژبر کلالی به شماره قطعه ۱۶۳

۸- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام آقای حسین خسروی طناک به مساحت ۱۷۷۷۶/۷۲ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۲۹۳ اصلی بخش ۵ مشهد از ملک رسمی سید علی هژبر کلالی به شماره قطعه ۳۲۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ . تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ م.الف۵۴

حسین مهرجو- رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان

۵۱۱/۹اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۰۱۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین کریمی فرزند احمد به شــماره شناسنامه ۱۵۵ صادره از تربت حیدریه در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۹۴/۷۰ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۲ فرعی از پلاک شماره۲۴۲ اصلی واقع در اراضی منصوریه دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی آقای احمد کریمی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تســلیم و پس از اخذ رســید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شــد . تاریخ انتشــار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ م.الف۲۱۹۰۶۴۹

سید امین موسوی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک تربت حیدریه

۵۱۱/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۲۰۸۹-۱۴۰۵/۰۲/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمانهای فاقد سند رسمی مســتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفــات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رجبعلی خوش نکاه دوغائی فرزند بابا بشــماره ملی ۰۸۷۰۶۲۲۲۹۳ صادره از قوچان در یک قطعه زمین مزروعی به مســاحت ۵۰۴۳/۴۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵۴- اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی دوغایی خریداری از مالک رســمی آقای میرزا حیدرســیدی دوغایی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ م.الف۲۳۱

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۱۱اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۲۲۸۳- ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمانهای فاقد سند رسمی مســتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفــات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فرامرز حسن زاده کلاته شامحمد فرزند حسن بشماره ملی ۰۸۷۱۹۱۴۶۹۷ صاده از قوچان در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۳۹۰/۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۸ فرعی از ۳۹ اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی دولتخانه خریداری از مالک رســمی آقایان حسن غلامحسینی سالانقوچ و محمد آشیانه و حیدر علی الهوردی زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ م.الف۲۲۷

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۱۲آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شــماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۲۴۷۴ هیــات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمان های فاقد ســند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشــابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم ربابــه فاضلی فرزند علی اصغر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۰۲/۶۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۶۵ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشــابور خریداری از مالک رسمی آقای شکراله فراهینی محرز گردیده اســت. (م الف ۷۸۲۸) ۲- برابر آرای شــماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۲۸۰ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۲۸۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین خلیقی فرزند علی نسبت به چهار دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ســاختمان و آقای حســن خلیقی فرزند علی نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ســاختمان به مســاحت ۱۴۷/۳۳ مترمربع از پلاک شــماره ۱۳ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای محمد آتشگاهی محرز گردیده اســت. (م الف ۷۷۸۹) ۳- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۲۴۶۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمان های فاقد ســند رسمی مســتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشــابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عزیزالله ماروسی فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۷۹۳/۸۳ مترمربع از پلاک شــماره ۹۹ اصلی واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک نیشــابور خریداری از مالک رســمی آقای عزیزالله ماروسی محرز گردیده است. (م الف ۷۷۸۵) ۴- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۲۷۴۹ هیــات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ســاختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد عابدی شرق فرزند صادق در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۰۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رســمی آقای علی اکبر بیات ترک محرز گردیده است. (م الف ۷۷۹۰) ۵- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۲۵۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجتبی عسکرآبادی فرزند قاسم در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۳ مترمربع از پلاک شماره ۳۰ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در بخش ۵ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای محمد پیرانی محرز گردیده است. (م الــف ۷۷۹۴) لذا مراتب به منظور اطلاع عموم دردوروزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و دردونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

محمد بیرم آبادی- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

۵۱۱/۱۳اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ســاختمانهای فاقد سند رســمی . برابر رای شــماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۱۴۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۳هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد ســند رسمی مســتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا رضائی فرزند محمود به شــماره شناسنامه ۸۴۸ صادره از مشهد در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۸۴ متر مربع قسمتی از پلاک فرعی از ۱۴۶ اصلی واقع در اراضی خین عرب خراســان رضوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رسمی علی اصغر عبدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تســلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تســلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات ســند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ م.الف۱۴۲۲

بشیر پاشائی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد

۵۱۱/۱۴اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهــی موضــوع ماده ۳ قانون و مــاده ۱۳ آئین نامه قانون تعییــن تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ســاختمانهای فاقد ســند رسمی . برابر رای شــماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۱۵۳۵ مــورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ هیات اول /دوم موضوع قانــون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نازنین معصومه نجفی فرزند محمد به شــماره شناســنامه ۱۲۲۷ صادره از مشهد در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۶/۵۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۴ اصلی واقع در اراضی نوده خراسان رضوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از مالک رســمی آقای ســید محمود سیدی فرخد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ م.الف۱۴۲۳

بشیر پاشائی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد

۵۱۱/۱۵اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهــی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ســاختمانهای فاقد ســند رســمی . برابر رای شــماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۱۲۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۲/۱۹۰ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد ســند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشــهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسنعیلی یحیائی فرزند قدرت اله به شماره شناسنامه ۶۱۳۱۱ صادره از مشهد در ششدانگ یک قطعه زمین محصور با کاربری زراعی به مساحت ۱۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۵۴ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در اراضی حاجی آباد خراسان رضوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک مشــهد ناحیه دو خریداری محل مالکیت مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تســلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات ســند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ م.الف۱۴۲۱

بشیر پاشائی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد